

خانواده مبلغان ۲۵

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال سوم - شماره ۲۵ - بهمن ماه ۱۴۰۳

تحول زنانه انقلاب

دسته‌گیری نه میج‌گیری

همسر متفاوت من

سنگین ولی رنگین نه

مکتب مقاومت

کلاسی غریب



مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

زنان همیشه آگاه انقلاب

زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ، چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها حضوری فعال داشتند. امروز هم در میدان سیاست، در میدان فرهنگ، در میدان انقلاب، در فعالیتهای مقابل چشم دشمنان جهانی، زنان ما حضور فعال دارند. *بهرمنیاب سیدزها*

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

بهمن ماه ۱۴۰۳ ش

۲۵



mebo/ghokha@yade 1880.ir
9 7811 1403 32576



خانواده مبلغان ۲۵

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال سوم - شماره ۲۵
بهمن ماه ۱۴۰۳ شمسی

شناسنامه

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
 ۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
 ۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می‌شود.
 ۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
 ۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
 ۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.
- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
 - مدیرمسئول: محمود مقدمی
 - سردبیر: احمد اسماعیلی
 - هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغر اخوی، علیرضا زنگویی، مهدی هادی، محمد حامد مبینی راوندی، هاجر شعبانی موسی کلایه، سیده منیر سیدنتقیان، رضیه جبرئیل زاده، زینب رحیمی تالابیشتی.
 - مدیر هنری و صفحه‌آرا: سیدمحسن حسینی

فهرست

پیام فرمانده ۳

تحول زنانه انقلاب ۴

دانش افزایی

حاج آقا مشکل گشا ۲۱ (رؤیای ناصادق!) ۸

سپهٔ ضرورتیه ۱۰ (احتیاس و استفرغ ۲۰) ۱۲

دست گیری نه مچ گیری ۱۶

همسر متفاوت من! ۲۳

هنر عاشقی (عشق امام حسین و رباب علیه السلام) ۲۹

سنگین ولی رنگین نه ۳۴

چی بخونیم؟ ۳۸

چراهای ریزه میزه ۱۰ (مبعث) ۴۴

در سرزمین عجایب ۱۵ (تحصیلات مؤثر) ۵۰

مکتب مقاومت ۵۵

بازی-گوشی ۶۰

مهارت افزایی

صدای مشاور ۶ (تبعیض بین فرزندان) ۶۳

دل بسته جرئتمند ۶۸

بصیرت افزایی

کالای غربی ۷۳

با مخاطبان

آدمیزاد به امیدزنده است! ۸۰



پیام فرمانده

مدام گفتند حمله می‌کنیم، مدام گفتند تحریم می‌کنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوان‌های ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاہیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.^۲



پی‌نوشت

۱. آل‌عمران/۱۷۳.

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت

امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

انقلاب [اسلامی] با کودتا به وجود نیامد، با حرکت نظامی به وجود نیامد؛ مثل بعضی از انقلاب‌ها که یک عده افسر نظامی رفتند یک حکومتی را برداشتند، حکومت دیگری به جایش گذاشتند؛ نه، این انقلاب به وسیله مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که ترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه

شریفه شدند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» مدام تهدید شدیم،



تحول زنانه انقلاب

عالم، حتی نخبگان و فرهیختگان، حرف‌های عجیب و باورناپذیری به نظر می‌آمد. شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در این نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید... شما در تحصیل کوشش کنید که برای فضائل اخلاقی، فضائل اعمالی، مجهز شوید... دامان شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشوند.»

وقتی چهل سال پیش امام خمینی علیه السلام این سخنان را می‌گفت، برای بسیاری از زنان عالم، حتی نخبگان و فرهیختگان، حرف‌های عجیب و باورناپذیری به نظر می‌آمد. مردم ایران حضور زنان را در تظاهرات و راهپیمایی‌ها دیده بودند و چه بسا بدن‌های گلوله‌خورده و غرق‌به‌خونشان را به دوش کشیده بودند. پس مشکلی در فهم حضورشان در انقلاب نداشتند. سختی کار آنجا بود که امام علیه السلام از تحول عجیب و عظیم الهی در بین زنان می‌گفت؛ تحولی که با آن «ملت ایران»، و نه فقط «زنان ایران»، عوض شدند و با آن تحول زنانه یک

ایشان می‌فرمود: «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود. آنچه بچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه... در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر، تادر جوار معلم.»^۲

البته کار با پیروزی انقلاب تمام نشد و بلکه با این پیروزی، کار چندبُرابر خانم‌ها شروع می‌شد؛ چون مردها باید مشغول جنگ و دفاع و سازندگی می‌شدند و تمام مسئولیت‌های آموزش و تربیت و مدیریت خانواده بر دوش زنان بزرگ این سرزمین بود.

البته حضور تأثیرگذار زنان فقط مربوط به دوران انقلاب اسلامی ایران نبود. از نمونه‌های دیگر این تأثیرگذاری می‌توان به تأثیر مهم زنان دربار ناصرالدین شاه قاجار در جریان فتوای تحریم تنباکو، یا نقش مهم سردار مریم بختیاری در قیام مشروطه اشاره کرد.

ملت، زن و مرد ره صدساله را یک‌شبه طی کردند؛ تحولی که امام خمینی علیه السلام بارها از آن به بزرگی یاد کردند و آن را افتخار بزرگ ملت ایران دانستند و فرمودند: «من در جامعه زن‌ها یک جور تحول عجیبی می‌بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده است»^۲ «نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد به وجود آورده که ره صدساله را یک‌شبه طی نموده است.»^۳

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام خانواده نخستین و مهم‌ترین جایگاه تربیتی بشر و محل ظهور و بروز عواطف انسانی و رکن عمده جامعه است. اگر زن در جامعه بتواند برسد به آن علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی‌ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها به‌طور یکسان در نظر گرفته است، تربیت فرزندان بهتر و محیط خانواده گرم‌تر و باصفا تر خواهد شد و جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد.

تاریخ ایران هرگز فرنگیس حیدرپور را فراموش نمی‌کند؛ همان که در حمله نظامیان عراقی به روستای محل سکونتش در گیلان غرب به تنهایی با یک تبر افسر عراقی را کشت و سرباز همراهِش را به اسارت گرفت.

ایران اسلامی تا ابد فراموش نمی‌کند چریک مسلح ایرانی، طاهره دباغ، از بنیان‌گذاران سپاه پاسداران و نخستین زن فرمانده سپاه را که بعد از سال‌ها حفاظت از جان امام عزیز در تبعید، با شجاعت و توانمندی نقشی کلیدی در سامان‌دهی و حفاظت از انقلاب در غرب کشور و استان همدان ایفا کرد.

اکنون نیز زنان بزرگ این سرزمین در همه عرصه‌ها پرچم فتح و ظفر ایران عزیز را بالا نگه داشته‌اند؛ حتی بانوان بزرگی که در روستاهای کوچک غریبانه دین خدا و انقلاب امام علیه السلام را ترویج و تحکیم می‌کنند.

امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ‌کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.»^۵

تأکید حضرت امام علیه السلام بر حجاب بیانگر روشن‌بینی ایشان در لزوم نگاهبانی ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از مفاسد ناشی از رعایت نکردن حجاب است. ایشان نه فقط حجاب را مانع کسب علوم و فضایل و فرهنگ نمی‌دانستند، بلکه آن را موجب تقویت حریم عفاف، تحکیم ارزش‌های انسانی، پلایش روح و عامل استحکام خانواده می‌پنداشتند.

امام علیه السلام در جمع بانوان به مناسبت روز زن در ۲۲ اسفند سال ۱۳۶۳ اظهار کردند: «باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماسست. هرچه را که خدا دستور فرموده است... برای این است که آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند

فرمودند: «زندان‌های شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است، در تظاهرات خیابانی زنان ما بچه‌های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آمده‌اند. جلسات سیاسی‌ای که زنان در شهرهای مختلف ایران بر پا می‌کنند، کم نیست. آنان نقش بسیار ارزنده‌ای را در مبارزات ما ایفا کرده‌اند. مادران شجاع فرزندان اسلام خاطرۀ جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده‌اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید و در چه کشوری؟!»^۸



پی‌نوشت

۱. صحیفه امام علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۵۳۱.
۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۰۹.
۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۵۷.
۴. همان، ج ۹، ص ۲۹۳.
۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۲.
۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵.
۷. همان، ج ۲۰، ص ۹.
۸. همان، ج ۴، ص ۴۰.

و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمّال استعمار پایمال می‌شدند این‌ها، این ارزش‌ها زنده بشود»^۶

در جای دیگری می‌فرمایند: «شمامی دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود. در این مدت چندصد سال، بلکه از اول، بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله تا برسد به حالا، فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد. و شما خانم‌ها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید»^۷

ایشان ستایشگر فضایی هستند که در آن زنان نیز مانند مردان توانایی تحصیل و رسیدن به سطوح بالای علمی را داشته باشند.

امام علیه السلام در مصاحبه‌ای با نماینده مجله عربی «القومی العربی» در ۲۰ آبان ۱۳۵۷



حاج آقا مشکل گشا ۲۱

محمد حسن شهبازی - دانش پژوه سطح ۳ تخصصی تبلیغ

رؤیای ناصادق!

تا حمید آقا از سر کار آمد، خوابم را برایش تعریف کردم. ایشان در کمال خونسردی گفت: شاید شام سنگین خورده‌ی! ان شاء الله خیره. به دلت بد راه نده. اصلاً فکرتش را هم نمی‌کردم این‌طور بی‌اهمیت به حرف‌هایم جوابم را بدهد. من از صبح تا حالا کلی ذهنم درگیر است، بعد او این قدر بی‌خیال از کنارش رد شود. قدری به من برخورد که چرا این‌طور

از صبح که بیدار شده‌ام، به شدت ذهنم درگیر خوابی است که دیده‌ام. خدایا، واقعاً این چه خوابی بود؟! نکند اتفاق بدی بیفتد! اصلاً ای کاش امسال نمی‌رفتیم که، خدای ناکرده، اتفاق بدی برایمان بیفتد. اگر حمید آقا از سر کار آمد، به او می‌گویم: امسال نمی‌آم. شما هم نرید. همین‌طور تا ظهر هزار جور فکرو حرف بود که در ذهنم با خودم مرور می‌کردم.

جمکران. من توی این چند سال با چهار تا بچه فقط تا همین امامزاده اسماعیل بیشتر نرفته‌م. نه مشهد، نه کربلا، نه قم و جمکران. خدا می‌دونه چندین بار خواسته‌م به آقا رضا بگم که یه جوری پولی جفت‌وجور کنه، حداقل امسال رو بریم جمکران. گفتم شاید دستش تنگ باشه و نتونه و جلوی من خجالت بکشه، دیگه چیزی نگفتم. بعد تو به‌خاطریه خوابِ الکی می‌خوای نری؟! خب معلومه؛ ازبس رفته‌ی، دیگه دلت نمی‌خواد بری!

راستش را بخواهید، دلم خیلی به حالش سوخت. قدری دلداری‌اش دادم، فایده‌ای نداشت. بعد زودی چادرش را سرش کرد و رفت.

از یک طرف هم ذهنم درگیر این خواب لعنتی بود!

خانم حاج‌آقا صالح‌پرور را در مسجد دیدم و خوابم را برایش تعریف کردم: خواب

رفتار کرد! خب حداقل می‌توانست کمی دلداری‌ام بدهد!
بازم با خودم گفتم حتماً سر کار بوده و خسته است. من هم آدمم از خواب پریشانم به او گفتم، خب معلوم است این‌طور جوابم را می‌دهد! با آن‌همه مشغله کاری و ذهنی که دارد، من هم ذهنش را درگیر کردم.

فاطمه خانم هم که سکوتِ مطلق! انگار اصلاً حرف‌هایم را نمی‌شنود. سرش را پایین انداخته و دارد سبزی‌ها را همین‌طور پاک‌کرده و پاک‌نکرده در سبد می‌اندازد.

با آن‌جم‌به‌اوزدم: اصلاً صدام می‌شنوی؟! با شما هستم‌ها! این‌ها رو دارم به شما می‌گم‌ها!

دیدم بغض کرده!

پرسیدم: چی شده؟

بغضش ترکید و زد زیر گریه و گفت: خوش به حالتون! شما هر سال خانواده‌گی نیمه شعبان می‌رید مسجد

جواب حاج آقا

۱ طبق دین و شرع، خواب حجیت شرعی ندارد؛ یعنی تکلیف آور نیست که بگیم چون فلان خواب رو دیده‌م، اگه برم مثلاً فلان زیارت، پس حرامه یا نه، اصلاً کراهت داره؛

۲ در روایتی که اگه شخصی با شکم پر بخوابه، خواب‌های پریشون می‌بینه؛^۱

۳ باید حواسمون باشه که خواب رو برای چه کسانی تعریف می‌کنیم. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هرگاه یکی از شما خواب خوبی

دیدم توی مسیر که از شهرمون برای زیارت نیمه شعبان داشتیم می‌رفتیم، ماشینمون تصادف کرده. اگه می‌شه، به حاج آقا بگید تعبیر خوابم چی می‌شه. واقعیتش می‌خوام امسال نرم جمکران؛ چون می‌ترسم اتفاقی بیفته.

حاج آقا هفته‌ای یک بار بعد از منبر کوتاهشان پرسش و پاسخ دارند.

گفتند: همین هارو توی برگه بنویسید، بدیم حاج آقا، امشب بعد از منبر، توی برنامه پرسش و پاسخ بخونن و جوابتون رو بدن.



درضمن، به نظر بنده ایام نیمه شعبان کسانی که توانایی مالی دارن، حتماً برن زیارت و اصلاً هم به شایعات و خبرهای دروغ و همچنین به خواب‌های این چنینی که درصد جلوگیری از این حرکت عظیم و بزرگ مهدوی علیه السلام هست، اهمیتی ندن. مثل سال گذشته ان شاء الله قراره کاروان زیارتی به سمت مسجد مقدس جمکران راه اندازی بشه. یه خبر خوبی هم داریم و اون اینکه به همت خیرین و دوست داران امام زمان علیه السلام قراره ان شاء الله تعدادی رو رایگان ثبت نام کنیم برای زیارت.

دید، آن را تعبیر کند و برای دیگران بازگوید، و اگر خواب بدی دید، آن را تعبیر نکند و به کسی هم نگوید.^۳

دنیای رؤیا و خواب دنیای عجیبیه: نه می شه به راحتی از کنارش گذشت و نه می شه خیلی بهش اهمیت داد. روایت می فرماید که اصل تعبیر کردن مهمه و اینکه خواب همون طوری که تعبیرش کنی می شه.^۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خواب تا زمانی که تعبیر نشود، همچون پرنده روی سر خواب بیننده در پرواز است و همین که تعبیر شد، فرود می آید. خواب خود را جز برای دوست و کسی که اهل فکر و نظر

است بازنگویید.^۵

پی نوشت

۱. حجت شرعی نبودن خواب: به طور کلی خواب‌ها حجیت شرعی ندارند و تکلیف آور نیستند و شایسته است که معارف دینی با استناد به آیات و روایات معتبر و عقل بیان شود (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری رحمته الله علیه، سؤال ۱: <https://B2n.ir/t70301>).
۲. «الْمُسْتَثْقَلُ النَّائِمُ تَكْذِبُهُ أَحْلَامُهُ» (غرر الحکم، عبدالواحد آمدی، انتشارات دارالکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۰، ح ۱۳۷).
۳. «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةَ فَلْيُفَسِّرْهَا وَ بَخِرْ بِهَا وَ إِذَا رَأَى الرُّؤْيَا الْقَبِيحَةَ فَلَا يُفَسِّرْهَا وَ لَا يُخْبِرْ بِهَا» (کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی هندی، انتشارات دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹، ح ۴۱۳۹۲).
۴. «الرُّؤْيَا عَلَى مَا تُعْبَرُ» (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۵۰).
۵. «الرُّؤْيَا عَلَى رَجُلٍ ظَنَّ مَا لَمْ تُعْبَرْ فَإِذَا غَبَرَتْ وَقَعَتْ وَ لَا تُقْضَى إِلَّا عَلَى وَادٍ وَ ذِي رَأْيٍ» (کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی هندی، ح ۴۱۳۹۰).

سِتَّةُ ضُرُورِيَّةٍ ۲۰

احتباس و استفراغ (۲)

اکرم کاوری - دانش آموخته دوره طب ایرانی - اسلامی

یکی از احتباس‌های بسیار شایع که از آن تعبیر به «أمّ الأمراض» شده، **یبوست** است. تعاریف پزشکی جدید تا سه روز نداشتن دفع را طبیعی می‌دانند؛ اما حکمای ایرانی اعتقاد دارند با هر وعده غذا خوردن، یک مرتبه دفع نیاز است و باید عمل دفع بدون سختی و فشار انجام شود. اگر چنین نباشد، فرد مبتلا به یبوست است. با این تعریف، امروزه خیلی از افراد مبتلا به یبوست هستند. در ایجاد یبوست، عوامل داخلی و خارجی دخیل هستند.

استفاده از پودر سیوس در برنج نیز روش خوبی است.

منابع فیبردار شامل غلات سبوس دار، حبوبات، میوه و سبزیهاست که حتی مصرف میوه به جای آبمیوه را اولویت می بخشد.

از علل دیگر یبوست، مصرف نکردن مایعات کافی است.

علت دیگرش بی تحرکی است. استفاده از مسهل ها و عادت به آنها نیز باعث می شود روده ها تنبل شوند و با ترک مصرفشان یبوست ایجاد شود.

همچنین یبوست از عوارض بعضی داروها مثل قرص مکمل کلسیم است.



از عوامل خارجی مهم، رژیم غذایی است که از غذاهای آبکی و آشها به سمت غذاهای خشک و بدون رطوبت رفته است (همان سبک تغذیه غربی که غذا را با چاقو و چنگال مصرف می کنند). اصلاً آشپزخانه یعنی جایی که در آنجا آش می پزند. آش نیز سرشار از سبزیها و فیبر است. ولی امروزه بیشتر افراد، روزانه حداقل یک وعده برنج می خورند؛ آن هم غالباً بدون سبوس است که طبیعتی خشک دارد و باعث انسداد می شود.

نانها نیز هرچه سفیدتر باشند، مثل لواش، یبوست بیشتری ایجاد می کنند. بنابراین مصرف نان سبوس دار، مثل سنگک، توصیه می شود.



نکته مهم اینکه در همه موارد، رفع علث راه درمان است و نه استفاده از مسهل به تنهایی.

پس مشخص شد یکی از نکاتی که در طب سنتی اهمیت ویژه‌ای دارد ایجاد تعادل در استفراغ و احتباس است.^۱ این تعادل باعث حفظ سلامتی و صحت بدن می‌شود که جزو اصول اولیه طبابت است؛ چراکه به هم خوردن تعادل در احتباس و استفراغ باعث تجمع مواد زائد و سمی در بدن، ایجاد جریان‌های فکری نامناسب و منفی (توهم و کابوس و...)، کاهش قدرت قضاوت، عصبانیت و پرخاش (برخوردهای نامناسب و استفاده از الفاظ رکیک) و کاهش قدرت تحمل در افراد می‌شود.

شیر و گازهای ریه.

احتباس به نگهداری مواد

مورد نیاز و خوب، درون

بدن تعریف می‌شود.^۲ در



استفراغ یا طبیعی است یا مصنوعی و به کمک طبیب انجام می‌شود؛ مثلاً قی کردن که نوعی استفراغ است، گاهی به‌طور طبیعی است و گاهی طبیب داروهایی می‌دهد که بیمار قی کند تا مواد مضر از معده و بدنش دفع شود.

از طرف دیگر، استفراغات (دفع مواد زائد از بدن از طریق مدفوع، ادرار، عادت ماهیانه و...) باید به درستی انجام شود. به همین علت، فصد یا زالو یا حجامت زیر نظر طبیب حاذق انجام می‌شود.

ادامه دارد...



پی‌نوشت

۱. حفظ الضحہ ناصری، محمدکاظم گیلانی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۲، فصل ۶، ص ۱۴۴.
۲. توصیه به کیسه کشیدن در حمام به همین دلیل است تا چرک و مواد زائدی را که روی پوست ریخته شده‌اند، تمیز کنیم تا منافذ پوست بسته نشوند و دفع این مواد از بدن راحت‌تر باشد.
۳. خلاصه الحکمه، محمدحسین عقیلی خراسانی، انتشارات چوگان، تهران، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۸۹.

افرادی که سابقهٔ اسهال‌های ممتد یا عادات ماهانهٔ زیاد و طولانی‌مدت یا تعریق زیاد دارند، مواد مفید بیش از اندازه از بدن دفع می‌شود. این افراد دچار کم‌خونی و ضعف می‌شوند و معمولاً در آقایان باعث کم شدن قابلیت باروری و پایین آمدن کیفیت اسپرم، تعداد و تحرک کم یا تغییر شکل ظاهری‌شان می‌شود. در خانم‌ها نیز یا مانع آزاد شدن تخمک‌ها می‌شود یا آن‌ها را دچار اختلال در قاعدگی یا تنبلی تخمدان می‌کند. در نتیجه برای رفع بیماری، شخص نباید ضعف داشته باشد و باید احتباسی درست (حبس مواد مفید در بدن) داشته باشد. افرادی که رژیم‌های سخت می‌گیرند، به خوبی غذا نمی‌خورند و با کمی میوه و تنقلات خود را سیر می‌کنند. این روش معمولاً فرد را در احتباسی درست دچار اشکال و در نهایت ضعف بدنی می‌کند. همچنین این افراد در باروری، میل جنسی و ارضاشدن نیز مشکلاتی خواهند داشت.



دست گیری نه مچ گیری

سیده لیلی اعتباری- کارشناس علوم قرآن و حدیث

«احساس خوبی ندارم. مادرم مدام گوشه‌ام را چک می‌کند. کلافه‌ام کرده. پس چرا خودش اجازه نمی‌دهد من گوشه‌اش را چک کنم؟ اگر چک کردن کار درستی نیست، چرا مادرم این کار را می‌کند؟! و اگر کار درستی است، چرا اجازه نمی‌دهد من گوشه‌اش را چک کنم?!»

این‌ها درد دل‌های شاگردم بود. حتماً شما هم از این جنس حرف‌ها زیاد شنیده‌اید. واقعاً چگونه می‌توانیم بر استفاده‌ی فرزندانمان از گوشه‌ی نظارت داشته باشیم؟ در این مقاله کوتاه به بررسی راهکارهای کاربردی برای نظارت بر استفاده‌ی فرزندان از گوشه‌ی خواهیم پرداخت.

چرا نظارت؟

در اهمیت بحث نظارت می‌توان به ۳۷۶ آیه‌ای اشاره کرد که خداوند در قرآن کریم دربارهٔ نظارت خداوند بر رفتار انسان‌ها بیان کرده است.^۱ در یکی از این آیات خداوند می‌فرماید: «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأُرِي».^۲ در این آیه خدا به موسی و هارون عليهما السلام می‌فرماید: من تمام ریزودرشت کارهای شما را می‌بینم.

اگر نظارت درست نباشد، فرزند دچار آسیب‌های تربیتی می‌شود. از جملهٔ این آسیب‌ها می‌توان به اعتیاد به فضای مجازی، انزوا، افسردگی و پرخاشگری اشاره کرد. والدین می‌توانند با نظارت دقیق، از به وجود آمدن این آسیب‌ها پیشگیری کنند.

این نظارت به فرزندان کمک می‌کند در مسیر مطلوب استفاده از دنیای فناوری حرکت کنند و از خطرات محافظت شوند و از فرصت‌ها بهره‌مند.

در ادامه چند نمونه از فواید نظارت بیان می‌شود:

▶ نظارت می‌تواند به شناسایی مشکلات و چالش‌ها قبل از تبدیل شدنشان به بحران کمک کند؛

▶ نظارت به حفظ نظم و تمرکز دل‌بندانمان کمک می‌کند و مانع بروز اختلالات در زیست مجازی و آیندهٔ آن‌ها می‌شود؛

▶ نظارت والدین بر فعالیت‌های فرزندان می‌تواند امنیت روحی، روانی، مالی و حتی جسمی فرزندان را تأمین کند.

دستگیری یا مج‌گیری؟

تجسس به معنای جست‌وجوی پنهانی اطلاعات فعالیت‌های فرزندان، به‌خصوص در فضای مجازی است. این رفتار اغلب تأثیرات منفی و پیامدهای نامطلوب تربیتی دارد. نظارت باید با رعایت اصول اخلاقی، قانونی و بر پایهٔ اعتماد صورت گیرد. رفتار تجسس‌گونه که در آیهٔ ۱۲ سورهٔ حجرات^۳

می‌شوند، به‌طور طبیعی احساس تنش و خشم می‌کنند و همین سبب تخریب روابط عاطفی و کاهش محبت و نزدیکی بین والدین و فرزندان می‌شود؛

▶ **تجسس تنش‌زا است:** تجسس علاوه‌براینکه خلاف اخلاق است، ممکن است باعث نافرمانی و حتی تنش‌های خانوادگی شود.

نکات مهم

نظارت بر فعالیت‌های فرزندان در فضای مجازی، زمانی مؤثر خواهد بود که با رعایت نکات زیر باشد:

هم نهی شده، آثار منفی زیادی در پی دارد که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

▶ **تجسس پنهان‌کاری می‌آورد:** وقتی والدین شروع به تجسس می‌کنند، بچه‌ها احساس می‌کنند والدین به آن‌ها اعتماد ندارند. ممکن است احساس کنند که برای حفظ روابط و اطلاعات خود، باید برخی از حقایق را پنهان کنند و این امر موجب کاهش ارتباط صادقانه بین فرزندان و والدین شود؛

▶ **تجسس، بر روابط عاطفی تأثیر منفی می‌گذارد:** وقتی فرزندان احساس می‌کنند از سمت پدر و مادر خود تجسس



ما و آن‌ها کمک کند. این نظارت می‌تواند به والدین کمک کند تا از فعالیت‌های برخِطِ (آنلاین) فرزندان خود مطلع شوند و به فرزندان نیز کمک کند تا به درستی و با احتیاط از فضای مجازی استفاده کنند.

روش‌های نظارت درست

نظارت مؤثر بر فعالیت‌های فرزندان در فضای مجازی باید در عین حفظ استقلال و حریم شخصی، ارتباط والدین با آن‌ها را تقویت کند. در ادامه، برخی از روش‌های نظارت ذکر شده است:

▶ **حضور فیزیکی فعال:** صرف حضور والدین در کنار فرزندان در حین انجام دادن فعالیت‌های برخِطِ (آنلاین) و برون خطِ (آفلاین) مهم است. بچه‌ها زمانی از ابزارهای رسانه‌ای استفاده کنند که والدینشان حضور دارند. فرزند خانواده باید بداند تحت نظارت است و تمام فعالیت‌های او برای پدر و مادرش مهم است؛

❶ **اعتمادسازی:** نظارت باید در فضایی انجام شود که اعتماد میان والدین و فرزندان تقویت شود؛ نه اینکه حس بی‌اعتمادی را به آن‌ها القا کند. اعتمادسازی اساس ارتباط سالم و پایدار است؛

❷ **نوع رفتار والدین:** ما باید در رفتار خود الگوی مناسبی برای فرزندانمان باشیم. رفتارهای منصفانه و احترام‌آمیز می‌تواند به فرزندان نشان دهد که نظارت به نفع آن‌هاست، نه صرفاً برای کنترل؛

❸ **حفظ استقلال:** نظارت مؤثر استقلال و رشد شخصیتی فرزند را محدود نمی‌کند؛ بلکه به او کمک می‌کند در مسیر درست قدم بردارد و تصمیم‌های آگاهانه بگیرد. بنابراین والدین باید به فرزندان اجازه دهند که در برخی زمینه‌ها استقلال داشته باشند، البته زیر چتر حمایت والدین.

نتیجه اینکه، نظارت مستقیم ما بر رفتار فرزندانمان در فضای مجازی باید به نحوی باشد که به تقویت ارتباطات و اعتماد بین

می تواند به والدین کمک کند تا با ارتباط با دوستان، بر فعالیت فرزندانشان نظارت داشته باشند. گروه های فامیلی، عضویت در گروه های هیئات مذهبی و پایگاه های بسیج و... می تواند مقدمه خوبی برای این امر باشد؛

▶ **گفت و شنود فعال:** والدین می توانند با فرزندانشان گفت و شنود فعال داشته باشند تا ضمن این کار، نظارت نیز صورت گیرد. سؤال های غیرمستقیم یا نتیجه گیری، معرفی محصولات سالم رسانه ای، گفت و گو درباره نقد فیلم ها و بازی ها می تواند نمونه هایی از گفت و شنود فعال باشد؛

▶ **مشارکت و همراهی با فرزند:** گاهی والدین باید در کنار فرزندشان فیلم ببینند و بازی های رایانه ای انجام دهند. فایده مشارکت والدین آن است که اگر فرزندان در حین استفاده از رسانه های نوین با مطالب نامناسب مواجه شوند، آن ها می توانند با ارائه توضیحاتی، تصورات نامناسب فرزندان خود از محتوای نامناسب و مسموم فضای مجازی را رفع کنند؛

▶ **نظارت بر دوستان:** دوستان بیش از همه بر فرزندانمان تأثیرگذارند. ایجاد محیط سالم مجازی با دوستان خوب



در ادامه، چند نرم‌افزار کاربردی معرفی می‌شود:



► **نرم‌افزار ۴۵۶:** این نرم‌افزار به والدین

امکان می‌دهد وضعیت اینترنت فرزندان را مدیریت کنند؛ می‌توانند زمان استفاده از اینترنت را محدود یا دسترسی به سایت‌های نامناسب را مسدود کنند؛^۴

► **انارستان،^۵ نرم‌افزار کنترل والدین:**

انارستان تلاش می‌کند بستری فراهم کند تا کودکان و نوجوانان هم از قابلیت‌های فضای مجازی بهره‌مند شوند و هم از آسیب‌هایش در امان بمانند؛

► **نظارت اجتماعی:** گاهی نظارت به‌جای

آنکه مستقیم از سوی والدین یا دیگر افراد باشد، از دل اجتماع ناشی می‌شود.

وقتی فردی برای شخصیت و احترام خود ارزش قائل باشد، به‌طور طبیعی رفتارهایی را که با شأن و منزلتش سازگار نیست کنار می‌گذارد. بنابراین باید، تا می‌توانیم، ارزش اجتماعی فرزندانمان را در جامعه افزایش دهیم و برایشان شخصیت و احترام قائل باشیم.

معرفی چند نرم‌افزار به‌عنوان دستیار نظارت

والدین

استفاده از نرم‌افزارهای نظارتی یکی از روش‌های کاربردی برای مدیریت فعالیت‌های فرزندان در فضای مجازی است. البته لازم است بدانیم این نرم‌افزارها فقط به‌عنوان دستیار در اختیار والدین قرار دارند و مهم‌ترین نکته در نظارت همان اعتماد و ارتباط است.

دسترسی دارد که والدین از قبل در
قسمت تنظیمات دُرسا به او دسترسی
داده‌اند.^۷

در کنار نرم افزارهای معرفی شده، بسیاری
از شرکت‌های تولیدکنندهٔ گوشی‌های
هوشمند، مانند سامسونگ^۸ و شیائومی^۹،
قابلیت‌های نظارتی برای والدین را به صورت
پیش فرض در دستگاه‌های خود ارائه
می‌کنند. این ویژگی‌ها می‌تواند به والدین
کمک کند تا بدون نیاز به نصب برنامه‌های
اضافی، نظارت مؤثری بر فعالیت‌های
فرزندان خود داشته باشند.



▶ سامانهٔ مراقبت از خانواده در دنیای
مجازی با نام SFP؛^۶ این برنامه به شما
امکان می‌دهد تا از راه دور فعالیت‌های
فرزندان خود را زیر نظر بگیرید؛

▶ برنامهٔ کنترل فرزند دُرسا؛ در این برنامه
کودک فقط به بخش‌هایی از گوشی

پی‌نوشت

۱. mehrnnews.com/xqPBz.

۲. طه / ۴۶.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها گناه است، و تجسس نکنید.»

۴. <https://456.ir>.

۵. <https://anaristan.com>.

۶. <https://sfp.family>.

۷. <https://www.dorsafamily.ir>.

۸. Samsung Kids Mode.

۹. Family Lin و Digital Wellbeing.





محمد اسماعیلی

دانش آموزته سطح ۳ حوزه علمیه؛

کارشناس ارشد روانشناسی

بمسر متفاوت من!

داریم، چرادرک بعضی از مسائل و توضیح اون‌ها برای ما سخت به نظر می‌رسد.»
تا اینکه دوباره نزد همان مشاوره که از تخصص و تدینش مطمئن بودند رفتند؛ همان مشاوره که خیلی تحقیق کرده بودند تا پیدایش کنند.
خب ایشان از قبل امیرعلی و حانیه را می‌شناخت و خیلی تست شخصیت

چند ماه بود با هم ازدواج کرده بودند و بارها کارشان به دعوا و ناراحتی کشیده شده بود. هر دفعه هم خانمش می‌گفت: «بیا پیش یه مشاور متخصص بریم ببینیم با اینکه عقاید و فرهنگ و اهداف و حتی روحیات و شخصیتمون تناسب داره و توی مشاوره پیش از ازدواج هم مشاور گفت با هم تناسب

گفتند: «حقیقتش نه! ما گفتیم وقتی همدیگه رو دوست داریم و مشاور هم گفته با هم تناسب داریم، دیگه لازم نیست. اوایل هم خیلی رابطه مون عالی بود؛ ولی کم کم حس کردیم همدیگه رو درک نمی‌کنیم یا گاهی یه چیزی می‌گفتیم و طرف مقابل ناراحت می‌شد.»

حانیه گفت: «امیرعلی خیلی مرد خوبیه؛ ولی گاهی حس می‌کنم شرایط من و درک نمی‌کنه و از این ناراحت می‌شم که بعضی حرف‌هام براش خنده‌داره!»

و مصاحبه و... ازشان گرفته بود. وقتی از آنها چند تا سؤال پرسید، مثل اینکه «موقع اختلاف نظر چطور مسئله رو حل می‌کنید؟ به خانواده‌ها چقدر اجازه دخالت می‌دید؟»، طبق تجربه و شناختی که داشت گفت: «بچه‌ها، اون چند تا کتابی که درباره تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد به شما معرفی کردم خوندهید؟»

امیرعلی و حانیه زیرچشمی به هم نگاه کردند، سرشان را پایین انداختند و آرام



مشاور با لبخند گفت: «شرایط شما رو درک می‌کنم! اوایل زندگی برای خیلی از مراجعین ما همین طوری می‌گذره و چون هنوز آتش عشقشون داغه، فکر می‌کنن دیگه همه چیز همین طوری می‌مونه و نیازی به مشاوره و مطالعه ندارن؛ ولی بعد از چند ماه کم‌کم به این نتیجه می‌رسن که باید بیشتر مطالعه کنن و برای بهتر شدن رابطه‌شون آموزش ببینن.»

تفاوت‌های زن و مرد

تفاوت‌های زن و مرد مسئله‌ای است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است؛ ولی صرفاً به تفاوت‌های جسمی و برخی تفاوت‌های زمان بلوغ اشاره کرده‌اند. در علم روان‌شناسی، علاوه بر این‌ها، تفاوت‌های روان‌شناختی برجسته‌ای کشف شده است که توجه به آن تأثیر بسیاری در بهبود روابط خانوادگی دارد. در گذشته مردم تنها از این جهت زن و مرد را متفاوت می‌دانستند که یکی درشت‌اندام‌تر است و دیگری کوچک‌اندام‌تر؛ یکی خشن‌تر است و دیگری ظریف‌تر؛ یکی بلندتر است و دیگری کوتاه‌تر؛ یکی کلفت‌صدا تر است و دیگری نازک‌آوازتر. وقتی از این حد فراتر

روادار می‌شود، مشکلاتی در رابطه ایجاد می‌شود. به عنوان مثال، مردان معمولاً تمایل بیشتری به رقابت و کسب موفقیت دارند، در حالی که زنان تمایل بیشتری به همکاری و برقراری روابط عاطفی دارند. همچنین، مردان معمولاً به تفکر منطقی و حل مسئله تمایل بیشتری دارند، در حالی که زنان تمایل بیشتری به تفکر احساسی و در نظر گرفتن احساسات دارند. این تفاوت‌ها به معنی برتری یا کمبود نیست، بلکه ویژگی‌های طبیعی هر جنس است که می‌تواند در بهبود روابط خانوادگی کمک کند.

و ادامه داد: «واجبه که همین ابتدای زندگی، شناخت خودتون رو از ویژگی‌ها و تفاوت‌های زن و مرد بالا ببرید. شما هر قدر هم عاشق هم باشید و تناسب داشته باشید، اگر شناخت خوبی از جنس مخالف نداشته باشید، نمی‌تونید همدیگه رو درک کنید، و کم‌کم به اختلاف و سوء تفاهم می‌رسید! حالا که تا اینجا اومده‌ید، دست خالی برنگردید و حداقل اجازه بدید اهمیت این موضوع رو براتون



می‌رفتند، تفاوت آن‌ها را صرفاً در دوره بلوغ می‌سنجیدند و آن‌ها را از نظر عقل و احساسات متفاوت به شمار می‌آوردند. در این تفاوت‌ها مرد را مظهر «عقل» و زن را مظهر «مهر و عاطفه» می‌خواندند؛ اما امروزه افزون‌بر این موارد، تفاوت‌های روان‌شناختی برجسته‌ای در دنیای زن و مرد کشف شده است.^۱

پروفسور ریک، روان‌شناس آمریکایی، که در کتاب خود تفاوت‌های بی‌شمار زن و مرد را برشمرده، معتقد است و دنیای زن و مرد به کلی متفاوت است و احساس این دو موجود هیچ‌گاه شبیه هم نخواهد شد. علاوه بر این، آنان هرگز به یک شکل در برابر حوادث و رویدادها واکنش نشان نخواهند داد. در واقع، زن و مرد درست مثل دو ستاره‌اند که بر روی دو مدار گوناگون حرکت می‌کنند. آنان می‌توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند؛ اما هیچ‌گاه یکی نخواهند شد.^۲



می‌کنند و در این صورت، زمینه درک متقابل فراهم می‌شود.^۳ بنابراین، مردان و زنان کارکردهای مشخص و ویژه‌ای دارند که بر پایه آن، نقش آنان در زندگی زناشویی شکل می‌گیرد. کارکردها در واقع همان ویژگی‌های روان‌شناختی برجسته‌ای هستند که نقش آنان را در صحنه عمل،

نتیجه پذیرش تفاوت زن و مرد شکل‌گیری هویت متفاوت، نقشه متفاوت و خروج از خودشیفتگی این دو جنس می‌شود. همچنین پذیرش تشابه زن و مرد در موضوعات انسانی نیز سبب شکل‌گیری حقوق انسانی یکسان و برابر در این دو موجود می‌شود. پیوند زن و مرد، با وجود تفاوت‌ها و پذیرش آن‌ها، سبب خروج از لاک خودمحوری است. می‌توان گفت نداشتن درک تشابه و تفاوت سبب ضربه‌های بنیادین و خسارت‌های فراوان به هر دو جنس در طول تاریخ شده است. به همین دلیل اگر زنان بدانند که مردان متفاوت با آنان فکر می‌کنند، رفتار خود را متفاوت سازمان می‌دهند. و اگر مردان هم بدانند نیازها و عواطف زنان با آنان متفاوت است و بدانند که در چه حوزه‌هایی شبیه یکدیگرند، رفتار خود را بهتر تنظیم



از جنس مخالفشان متمایز می‌سازند. این تفاوت در کارکردها به تبیین نقش زوجها کمک شایانی خواهد کرد و بر پایه آن می‌توان برای هر یک از زن و شوهر مسئولیت‌هایی مشخص کرد. در مشاوره‌های خانواده‌های متعددی مراجعه و درخواست می‌کنند کم‌حرفی همسرشان هنگامی که به خانه می‌آیند را درمان کنند. آن‌ها گلایه دارند که مردشان با آن‌ها طولانی صحبت و گفت‌وگو نمی‌کند و انگار نمی‌تواند آن‌چنان که آنان می‌خواهند، ابراز احساسات کند؛ اما مرد این خانواده‌ها معتقد است که اصلاً این‌گونه نیست و او به قدر کافی با همسرش صحبت می‌کند و بیش از این، صحبت کردن ضرورتی ندارد.

در این مورد به خانم گفته می‌شود که مردها برای تفکر و تصمیم‌گیری نیاز به سکوت و آرامش دارند و، برخلاف زن‌ها، برای حل مسئله بلندبلند فکر نمی‌کنند. بهتر است خانم به‌جای این‌گونه شکایات، جایگاه لازم را برای او، به‌عنوان یک مرد، قائل باشد و اجازه دهد تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده مرد خانواده باشد. این مجادله و کشمکش چند هفته طول می‌کشد تا با خانواده‌درمانی پایان یابد. اما مشکل این زن و شوهر چه مسئله‌ای می‌توانست باشد؟ آیا ممکن است درک نکردن ویژگی‌های متفاوت میان زن و مرد زمینه‌ساز مشکلات ارتباطی آنان باشد؟ پاسخ مثبت است.

پی‌نوشت

۱. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. روان‌شناسی زن و مرد، مسعود جان‌بزرگی، انتشارات سبحان، قم، ۱۳۹۶، ص ۵.



هنر عاشقی ۱

(عشق امام حسین و رباب علیّه السلام)

محمد حسین قدیری

دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه؛

کارشناس ارشد روانشناسی

اریک فروم در کتاب «هنر عشق ورزیدن» و تبلیغات رسانه‌ها، مثل ماهواره و اینترنت، و نگرش مادی‌گرایی تغییر و نوسان داشته است. گویی از نظر مردم عشق امری شانس‌ی است و نیاز به یادگیری و پرورش ندارد. وقتی جوانان خودشان را از سنت‌ها و تجربه‌های پیران بی‌نیازتر دیدند، بیشتر گرفتار شکست‌های عشقی شدند. از نظر

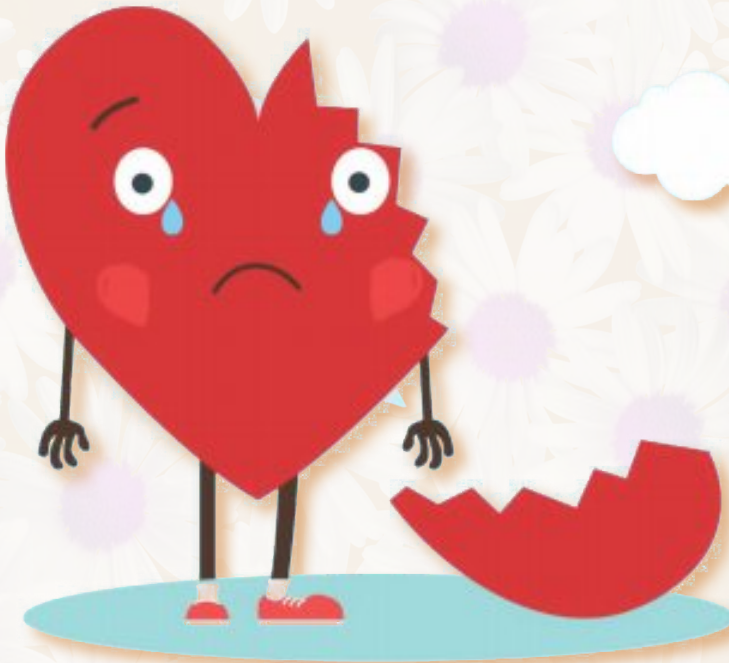
می‌نویسد عشق پایدار گم‌شده انسان است. هیچ امری مثل عشق و شیفتگی پراسیب نبوده است. هیچ پدیده‌ای هم نبوده که این قدر آسیب داشته باشد و بشر دنبال مهار و حل آن نباشد. مفهوم عشق و مصادیق رابطه عشقی، در زمان‌های مختلف، با موج مدگرایی

فردی که تجربه شیفتگی و عشق آتشین دارد، این احساسی رمانتیک ماندگار است؛ درحالی که تجربه‌ها نشان می‌دهد که چنین عشق‌هایی از بستر زخم‌های احساسی و دل‌بستگی نایمن دوران کودکی، محرومیت‌های عاطفی و جذابیت جنسی و تفکر مادی‌گرایی رشد می‌کند. عشق‌های بیمارگون چون ریشه‌دار نیستند، با باد انتظارات و جنگ قدرت و روزمرگی معمولاً ظرف دو سال از تب‌وتاب می‌افتند و حتی عاشق

و معشوق از هم متنفر هم می‌شوند.^۱ طبق آمار رسمی، ۹۳ درصد ازدواج‌های عاشقانه در آمریکا به شکست منجر می‌شوند و میانگین ازدواج‌های عاشقانه فرانسه سه ماه و نیم است.^۲

سندرم شکست عشقی

متأسفانه طلاق عبرت نمی‌شود و معمولاً افراد به امید اینکه رابطه جدیدی را تجربه کنند که سراسر آن همان مزه «ایام آشنایی در ازدواج قبلی» را بدهد، سریع درگیر رابطه



بخش از عشقِ بین امام حسین علیه السلام و همسرش، رباب علیها السلام، سخن بگویم که معیارهای اعتباری و احساسی صرف نداشت و گذر عمر سبب رنگ باختنش نشد؛ بلکه نگرشی عملی و عاطفی بود که در گذر زمان ریشه‌های آن عمیق‌تر هم شد.^۵ در عشقِ زن و شوهر عاملِ اراده و انتخاب و تصمیم نادیده گرفته می‌شود. اگر عشق فقط یک احساس می‌بود، دیگر پایداری در این تعهد و قول که «تا ابد همدیگر را دوست خواهیم داشت» معنا نداشت.^۶ اینکه عشق فراتر از یک احساس زودگذر است، نگرشی است که با رفتار ایثارگرانه و صحیح ابراز می‌شود و احساس را هم غنی می‌بخشد.^۷

اگر هنر عاشقی را تمرین نکنیم، احساس دوران آشنایی، همچون بنزین، خیلی سریع می‌پرد و از یکدیگر دل زده می‌شویم. بیش از این منتظران نمی‌گذاریم و ویژگی‌های رابطه عاشقانه را با محوریت

عاطفی دیگری می‌شوند و باز طعم تلخ شکست را می‌چشند.^۳ مجموع عوارض و نشانه‌های جسمی و ذهنی این تجربه تلخ را «سندرم شکست عشقی یا سندرم قلب شکسته» می‌گویند. علائم متداول جسمی و روانی این سندرم عبارت‌اند از: افسردگی، خشم، احساس شدید ناامنی، درماندگی، احساس گناه، ترس، ناامیدی، بی‌نظمی در خواب، بی‌اشتهایی یا پرخواهی و پرخوری، بی‌قراری، از دست دادن تمرکز، از دست دادن انگیزه و انرژی، سردرد، بدن درد، خستگی و بی‌حوصلگی، و کندی روانی حرکتی.^۴

ضرورت کسب عشق

با توجه به آنچه گفته شد ضرورت دارد برای کسب عشق سالم و مهار آسیب‌های عشق، درباره علل عشق سالم و نشانه‌ها و الگوهایش تحقیق و آن‌ها را بررسی کنیم و به‌عنوان بهترین نمونه، در چند

عشق امام حسین و حضرت رباب علیها السلام برایم کوه استواری بودی که به تو پناه می‌بردم / «پیوسته» با ما رفتار رحیمانه داشتی.^۸

▶ **اقتدار مهربانانه:** مرد، به دلیل شرایط زیستی و هورمونی، قوی‌تر و عضلانی‌تر است. ازسوی دیگر، وظیفه قانونی دارد که نفقه همسرش (خوراک و پوشاک و مسکن) را تأمین کند. این دو امر سبب شده نقش سرپرستی و اجرایی کلان در سازمان خانواده به مرد سپرده شود.

از دو مصرع **حضرت رباب علیها السلام** استفاده می‌شود که امام حسین علیه السلام در خانواده نرمش مقتدرانه داشته و در سختی‌ها چتر حمایتی‌اش بر سر خانواده گسترده می‌شده و پیوسته در رفع نیازهای عاطفی آن‌ها می‌کوشیده است.

رباب در فراق جان‌گناه شوهر، با اشعار خود مویه‌کنان الگوی ارتباطی اوراتوصیف می‌کند. مثلاً در یکی از ابیاتش می‌گوید:

قَدْ كُنْتُ لِي جَبَلًا صَعْبًا أَلُوْدُ بِهِ
 وَ كُنْتُ تَصْحَبْنَا بِالرَّحِمِ وَ الدِّينِ

▶ **مودت و رحمت:** از بیت بالا و نیز از اشعار امام حسین علیه السلام درباره همسرشان

به دست می‌آید که الگوی پایدار رفتاری و گفتاری، «مودت» و «رحمت» است؛ یعنی همان چیزی که قرآن برای خانواده سالم ترسیم کرده است.^۹ مودت محبتی است که اثرش در عمل ظاهر شود. برخورد رحیمانه وقتی است که عواطف بر شخص نیازمند مراقبت متمرکز شود تا نیازهایش را رفع کند.^{۱۰} قاعده (فرمول) حفظ نظام خانواده عبارت است از:



دوستی عاقلانه + گذشت مهربانانه = حفظ نظام خانواده^{۱۱}



در مصرع دوم رباب عَلَيْهَا (كُنْتَ تَصْحَبُ)، طبق قواعد زبان عرب، استفاده می‌شود که مهربانی و هم‌نشینی امام عَلَيْهِ با ایشان و فرزندان مستمر بوده است.

پی‌نوشت

۱. Erich Fromm, The Art of Loving, p7.9 & 21.
۲. خانواده در اسلام، حسین بستان، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳، ص ۵۹.
۳. Erich Fromm, The Art of Loving, p7.9 & 21.
۴. رهایی از ضربه‌های عاطفی؛ ترمیم قلب شکسته، سید حمید آتش‌پور، انتشارات قطره و کتاب‌سرای میردشتی، تهران، ۱۴۰۰، ص ۸.
۵. «عَلَيْكَ بِالْيَدِ وَإِيَّاكَ وَكُلُّ مُحَمَّدٍ لَا عَهْدَ لَهُ وَلَا أَمَانَ وَلَا ذِمَّةَ وَلَا مِيثَاقَ» (اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات دارالکتب الإسلامية، تهران، چ ۴، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۵۲).
۶. Erich Fromm, The Art of Loving, p27 & 29.
۷. گری چپمن، پیمان ازدواج، ترجمه سیمین موحد، انتشارات ویدا، تهران، ۱۳۹۱، ص ۹ و ۱۰.
۸. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات دار الفکر، قم، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۵.
۹. روم ۲۱: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».
۱۰. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۹، ج ۱۶، ص ۱۶۶.
۱۱. عبدالله جوادی آملی، سالروز ولادت امام علی و حضرت زهرا عَلَيْهِمَا، وبگاه رسمی اسراء، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۵/۲.

سنگین ولی رنگین نه



معصومه باقری ثالث-کارشناس علوم قرآن و حدیث

نگاهی می‌انداختم. پشت آرامش همیشگی
چهره‌اش، اضطراب ریزی نهفته بود! یعنی او
بیشتر از من مشتاق بود که این هدیه بازو
دیده شود؟!

بله. هدیه از طرف دوست بود! پس حتماً
باید مراسم ذوق می‌آورد و باید جیغ می‌زدم
و ذوق می‌کردم! شاید یک حرکتی هم
مثل جنگولک بازی و پریدن و از گردنش
آویزان شدن لازم بود! شاید هم باید

آن روز می‌خواستم آن بسته را باز کنم. یک
کاغذکادوی سفید با توپ‌تویی‌های صورتی
دورتادور یک شیء نرم پیچیده شده بود.
دل توی دلم نبود که بدانم مرد باسلیقه‌ای
که کاغذکادو را مطابق سلیقه من انتخاب
کرده، چه هدیه‌ای برایم خریده! ولی این
اشتیاق باعث نمی‌شد کاغذکادو را پاره
کنم. با حوصله چسب‌ها را جدا می‌کردم
و هر از چندگاهی به چهره آرام و خندان

روسری نارنجی ساتن را برمی‌داشتم و مقابل آینه چشمانش می‌نشستم و هزار مدل می‌بستمش و هزار جور دلبری می‌کردم! بله، از این همه شاید باید که چیدم، گاه‌گاهی حضرت‌آقای مقابلم را مستفیض می‌کردم (!) تا برای حاج‌آقا مشتبه شود که «روسری خریده یا سرویس طلا» و این نجوای وسوسه‌برانگیز در جانم بیچد: «اگر برایش طلا بخرم چه می‌کند؟!»

حالا روسری نارنجی را در دست گرفته‌ام. نه، ببخشید! در کیف گذاشته‌ام و حدود یک ساعت است طبقات بازار را بالا و پایین می‌روم. درست حدس زده‌اید؛ من یک دکمه دارم و آمده‌ام برایش لباس بدوزم! البته چون فرصت کوتاه است، آمده‌ام لباس بخرم! به نظر شما چه رنگ‌هایی با نارنجی هم‌خوانی دارد؟ آبی؟ زرد؟ سبز؟ شیری؟ طوسی؟ بله، درست است؛ رنگ این روسری من نارنجی جیغ (!) است که باید در کنار یک رنگ خنثی قرار بگیرد تا کمی آرام شود!

و من الآن دنبال یک مانتوی معمولی شیری می‌گردم. بله، معمولی! پوشیده که «گشتم نبود؛ نگرد نیست!» چه فرمودید؟ صفحات (پیج‌ها) و کانال‌های لباس‌های پوشیده



همسرجان را همراه یک مانتوی معمولی بپوشید و با ظاهری موقر در جمع حاضر شوید، چه می‌کردید؟!

جان؟ چه فرمودید؟ می‌گویید چشم جاری‌ام را دریاورم و پز بدهم؟! نه خیر عزیزان! مگر من ضحاکي (!) حجاجي (!) چیزی هستم که چشم کسی را دریاورم؟! و تازه من هنوز آن قدر احساس حقارت نکرده‌ام که بخواهم با لباسم پز بدهم! راستش، دوست ندارم از آن هندوانه‌های بزرگی باشم که پوست بسیار زیبا و هیکل جذابی دارند ولی زمانی که دهانشان را باز می‌کنند، مزه آب می‌دهند و رنگ به روی آبرویشان نیست!

آها! همین! یک لحظه صبر کنید. انگار این مانتوی شیرینی با شماره دوزی‌های نارنجی را درست برای روسری من دوخته‌اند. انتخاب خوبی است؛ چون قد آستین‌هایش مچ دست‌هایم را می‌بوسد و بلندای قامتش سر به زیر زانوهایم می‌گذارد و دو نیمه‌اش

را پیشنهاد می‌کنید؟ بله، ماشاءالله تعدادشان کم هم نیست! ولی تنوع مدلشان بسیار کم است (!) و بیشتر مانتوها بلندند که امروزه آن‌ها را «مانتو عبایی» می‌نامند! آخ! آخ! ظاهراً انتهای مجلس داغ دل عده‌ای از عزیزان تازه شده که: «متأسفانه این مانتوها دارد جایگزین چادر می‌شود.» ولی این عزیزان نشسته در صف اول (!) می‌گویند: «نه خیر! خیلی هم خوب است! بی چادرها را با حجاب ترک کرده!» خوش به حال آن‌هایی که این‌طور فکر می‌کنند. لابد این‌طور دیده‌اند! و آلا تا جایی که ما دیده‌ایم، چادری‌ها را بی حجاب ترک کرده! هیس! آقایان! خانم‌ها! آرام‌تر! چه خبرتان است! بحث این مانتوها را بگذارید برای بعد. الآن اگر به جای من بودید و جاری و پرپریده (!) مهربان (!) خودجاگن (!) ساده (!) مغرور (!) یا اصلاً هر نوع جاری (!) شما را فرداشب برای تولد دخترش دعوت می‌کرد و شما دوست داشتید هدیه

مهم نیست؟! باید به عرضتان برسانم که اتفاقاً برای مرد مقتید و غیرتی خیلی هم مهم است که همسرش چه لباسی را زینده و لایق خود می‌داند و دست روی کدام لباس می‌گذارد تا زیبایی‌ها و ظرافت‌هایش را با آن گرمی بدارد!

و حالا کمی دقت و هوشمندی لازم است تا روی زیبایی مانتو و روسری دوست‌داشتنی‌ات چادری از عفت و حیا بکشی و به انتخاب خودت افتخار کنی.

راستی، شما هم حس می‌کنید روسری براقِ نارنجی خیلی خاصیت دل‌ربایی دارد و نگاه و دل و دین بسیاری را می‌تواند به سوی خودش بکشد؟ من در آینه نگاه همسرجانم خوب می‌توانم این جاذبه را ببینم. پس به احترام پاکي چشمانِ یک برادرشوهرِ متأهلِ میزبان و یک برادرشوهرِ مجرد (!) این جاذبه‌رامی‌گذاریم برای یک‌گشت‌وگذارِ دونفره با همسرجان و انتخاب یک لباس سنگین‌تر!

را دکمه‌های هم‌رنگِ خودش به وصل رسانده! خیلی رؤیایی توصیف کردم؟ خانم‌های مجلس می‌دانند پیدا کردن یک مانتو با تمام ویژگی‌های دل‌خواه، گاهی فقط در رؤیایها اتفاق می‌افتد! و حالا شما در واقعیت می‌توانید آن را در پاکت سفیدی در دستان من ببینید! بله، مانتو را خریدم و شما را در خماری قیمتش و تخفیف توپ فروشنده‌اش خواهم گذاشت! مردم‌آزار هم است کبر جهانی است! من نیستم!

حالا که با خوشحالی دارم به خانه برمی‌گردم، منتظر حضور همسرجان خواهم ماند و شما فکر می‌کنید او را شگفت‌زده خواهم کرد؟ حیف که پیامک برداشت از حساب از هیجان ماجرامی‌کاهد! ولی قطعاً زیبایی لباس را ببیند و برازندگی آن را برای همسر متین و محب‌ه‌اش درک کند، کامش شیرین خواهد شد! چه فرمودید؟ «من» این طور فکر می‌کنم؟! برای آقایان این چیزها

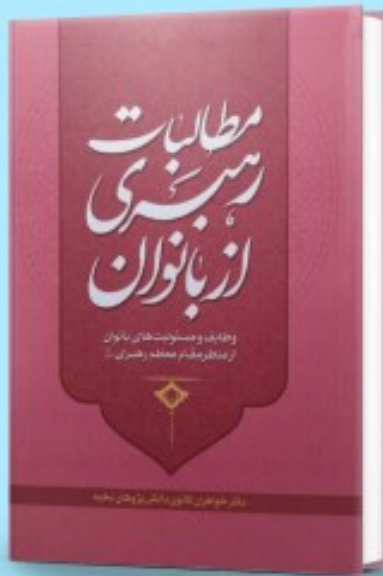
چی بخونیم؟

الهام آقاجانی- کارشناس علوم قرآن و حدیث

معرفی اجمالی وگزیده‌ای از کتاب «مطالبات

رهبری از بانوان»

کتاب «مطالبات رهبری از بانوان» درباره‌ی مسئولیت‌ها و وظایف بانوان از منظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام است که به کوشش «دفتر خواهران کانون» دانش‌پژوهان نخبه» تألیف شده است. این کتاب را انتشارات تراث در سال ۱۴۰۰ چاپ و منتشر کرده و در سال ۱۴۰۲ به چاپ سوم رسیده است. زنان در دوره‌های مختلف تاریخی مسیر رشد و حیات پریپیچ‌وخمی را گذرانده‌اند و در این مسیر، نه‌تنها



بیانات متعدد مقام رهبری علیه السلام راجع به مسئله زن، از زمان انقلاب تاکنون، در باب مسائل مربوط به زنان، به خصوص زن ایرانی، سخن می‌گوید. ایشان نگاه بلندی به مسئله زن دارند. اگر مطالبات ایشان از زنان مؤمن، انقلابی، اهل معرفت، خبه و قوی، به جد پیگیری شود، همه تمدن‌های دنیا نجات خواهند یافت؛ چراکه زنان یکی مهم‌ترین عناصر تربیتی جوامع هستند. بنابراین رویکرد کتاب دینی و در قالب بیانات معظم‌له است که به‌طور کلی در هشت فصل گردآوری شده است.



فصل اول درباره ازدواج بانوان است. در این فصل به مباحث مهمی حول محور

سرنوشت زنان بلکه سرنوشت ملت‌ها و امت‌ها نیز دستخوش تغییر و تحولات فراوانی شده است. ظلم به زن، از زنده‌به‌گور کردن دختران گرفته تا پایمال شدن حق مالکیت، حق تحصیل، حق رأی و نگاه ابرازی، باعث شده که امروزه مسئله «بحران زنان» اتفاق بیفتد و مسائل و مشکلات عاطفی و رفتاری و... گاه در قالب مباحث فمینیسمی و اعتراضات اجتماعی و... و گاه با هم‌نوا شدن با جاهلیت مدرن و غوطه‌ور در هواهای نفسانی رخ بنماید. در این میان، زن ایرانی نیز از هجوم فرهنگ غرب در امان نمانده و فرهنگ غرب مشکلات بسیاری به زنان ما تحمیل کرده است. اکنون نیز به‌خاطر نبود اقدام جدی و به‌موقع، کم‌وبیش با این مشکلات مواجهیم.

معرفی کتاب

همان‌گونه که از نام آن پیداست، کتاب «مطالبات رهبری از بانوان» با اشاره به

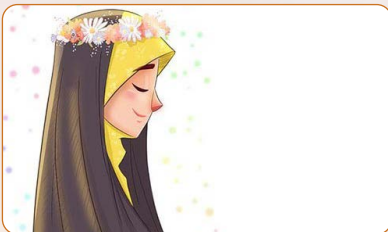


ازدواج، مانند فریضه و وظیفه ازدواج، سن ازدواج، ملاک‌های انتخاب همسر، میزان مهریه و بدعت‌های غلط در این امر، و فرهنگ‌سازی و واسطه‌گری در ازدواج پرداخته شده است.

فصل سوم در خصوص زن و فرزندآوری است. این امر نوعی مجاهدت برای زن ذکر شده است. در ادامه مباحث، خطرات پیری جمعیت، پیدا کردن راه‌های افزایش فرزندآوری، باز کردن گره‌های ذهنی و فرهنگی و... تبیین شده است. برخی از این موارد باینکه مطالبات رهبری علیه السلام از بانوان است، گاهی ریشه آن در قانون‌گذاری و الزامات قانونی و فرهنگی است.



مباحث **فصل دوم** درباره زن و خانواده است. در این فصل، زن عنصر اصلی تشکیل خانواده بیان شده و در آن به مباحثی، از جمله نقش همسری، روش‌های خانه‌داری، تبعیت، پشتیبانی و حفظ شوهر، سازش با همسر، تربیت رفتاری و گفتاری فرزند، اصلاح سبک زندگی، کتاب‌خوانی در خانه، وادار کردن فرزندان به ورزش، و مواسات با فرزندان اشاره شده است.



در **فصل چهارم** به‌طور ویژه به مبحث زن و عفاف پرداخته شده است. ابتدا به مبحث زن در گفتمان غرب اشاره شده و حول

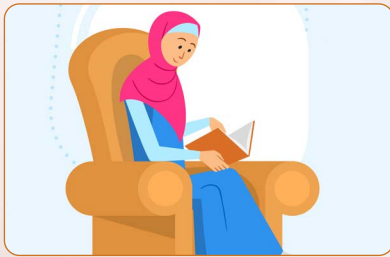
یک چیز است، حجاب یک چیز دیگر. اما عفت آن چیز غیرقابل دسترسی و غیرقابل تأثیرپذیری و آن صخرهٔ آسیب‌ناپذیر در انسان نیست؛ مثل همهٔ خلیات و خصلت‌های انسانی در معرض تهاجم قرار می‌گیرد. یکی از چیزهایی که می‌تواند آن را از تهاجم به دور بدارد و عفاف زن و طهارت او و تقوای او و حالت پرهیز و عصمت را در او نگه دارد، نداشتن معاشرت نامناسب در محیط زندگی و محیط کار و محیط جامعه است. معاشرت نامناسب یعنی معاشرتی که در او جهات فرهنگی و اخلاقی خاص رعایت نشده باشد. آن چیزی که می‌تواند به این نگهداری و مصون‌سازی و جداسازی کمک کند، حجاب است. بهترین چیز حجاب است؛ حجاب از طرف زن و حجاب از طرف مرد. حجاب مرد هم نگاه نکردن است. حجاب یعنی مانع، یعنی فاصل در زن... حجاب اسلامی وسیلهٔ حفظ و صیانت عفاف انسانی است.»

محور این مسئله، اموری مانند مردواره کردن زن، التذاذ جنسی و سیاست‌های غرب در این زمینه گفته شده است. در ادامه، نقش حکومت پهلوی و کشف حجاب در ایران و سپس معجزهٔ انقلاب برای بازگشت به فطرت بررسی شده و آنگاه به فلسفهٔ حجاب پرداخته و مواردی تبیین شده است، از جمله: حافظ عفت بودن، مایهٔ امنیت و آزادی شدن، ایجاد تکریم، تحکیم بنیان خانواده، و تأثیر بر سرنوشت تمدن‌ها.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«همیشه ما در طول زمان، هر وقت گفتیم حجاب و عفت، عده‌ای گفتند آقا، حجاب به عفت چه کار دارد؟! خیلی‌ها حجاب دارند، عفت ندارند. خیلی هم عفت دارند، حجاب ندارند. در طول زمان هر وقت ما این حرف را می‌گفتیم، تا حالا، بعضی این را می‌گویند؛ درحالی که این حرف درستی نیست؛ عفت

الزامات اشتغال و حضور اجتماعی زنان از قلم نیفتاده و اولویت بندی شده است. در پایان، عرصه های اختصاصی حضور زنان نیز روشن و مشخص شده است.



در فصل ششم به مباحثی در باب زن و علم و معنویت پرداخته شده است؛ مباحثی همچون فواید علم آموزی، توجه به استعداد و تناسب با ساختمان وجودی زن، آشنا شدن زنان با معارف اسلامی، حوزه های علمیه، و آگاهی سیاسی عمیق. در فصل هفتم نیز از زن و مبارزه با ظلم به زنان و تبیین و ریشه یابی این ظلم گفته شده است. سپس به طور اختصاصی به مشکل زن در جامعه ما پرداخته و نتیجه این بی توجهی گوشزد شده است.

در ادامه این فصل، نکات مربوط به تبرج، اختلاط زن و مرد، راه مبارزه با بی حجابی و فساد، و انجام دادن کارهای تبیینی، هنری، اخلاقی، سیاسی، قانونی و... بیان شده است.



فصل پنجم درباره زن و اجتماع است. این مبحث ابتدا از منظر اسلام بررسی و سپس ثمرات این حضور ذکر شده است. در ادامه به بررسی مقایسه حضور اجتماعی زنان در قبل و بعد از انقلاب پرداخته شده است. آنگاه مجاهدت زنان امروز ترسیم و بر این مسئله تأکید شده است که زنان ایران از اولین پاسخ دهندگان به دعوت های انقلاب و از سردمداران استقلال هویتی در جهان هستند. در ادامه فصل پنجم،



در فصل هشتم به مقوله زن و ورزش اشاره شده است، از توصیه به ورزش و تأثیر آن بر زندگی تا کشف استعدادها و حدود اسلامی ورزش زن. مبحث مهم حضور در ورزش‌های قهرمانی و بین‌المللی متناسب باشان زن، از دیگر مباحث این فصل است.

همچنین نقش انقلاب در این زمینه و چگونگی رفع ظلم به زنان، با عناوینی همچون کارتشکیلاتی، پژوهش اسلامی، توجه به احکام دینی، تحقیقات شهید مطهری علیه السلام، تکریم زن، انجام دادن کار مستمر، و گفتمان‌سازی، تبیین و بررسی شده و به رویکرد تهاجمی و کار در سطح بین‌المللی اشاره شده است. نقش الگوسازی، به خصوص استفاده از الگوی فاطمی علیها السلام، نیز از نظر دور نمانده است.

سخن پایانی

به فرموده مقام معظم رهبری علیه السلام، شناخت شأن اسلامی زن، در درجه اول وظیفه خود بانوان است تا بتوانند از خود دفاع کنند و بدانند که اسلام به آن‌ها چگونه نگاه می‌کند و از آن‌ها چه می‌خواهد. بنابراین شناخت شخصیت زن و آگاهی از نگرش اسلام (به‌عنوان نگرش برتر) در این زمینه، خود حلال بسیاری از مشکلات خواهد بود؛ مشکلاتی که گاه ریشه حل آن‌ها را در مسیری غیر از مسیر الهی دنبال می‌کنیم. از این روش‌شناخت درست و فکر صحیح و ایده درست دادن می‌تواند مسیر را برای همگان، به‌ویژه بانوان، روشن سازد. به همین منظور، این کتاب را به همه دغدغه‌مندان مسئله زن، به خصوص به بانوان، پیشنهاد می‌کنیم.

مهر رسول

چراهای ریزه میزه ۱۰

رها سلمانیان

مبعث

حاجی گفت: بله، باید برای پیامبر ﷺ سنگ تموم بذاریم ان شاء الله. عید بزرگیه.

به بابا گفتم: میلاد پیامبره؟

بابا استکان چایش رو گذاشت تو نعلبکی وگفت: نه باباجون، مبعث پیامبره. دست کرد توی جیبش و چندتا اسکناس درشت درآورد، لول کرد تو دستش و

شب شهادت حضرت زینب علیها السلام بود. همه بعد از هیئت دور هم نشسته بودن تو حسینیه و چای می خوردن که یکی از حاج مرتضی پرسید:

حاجی، مادرم برای جشن هفته دیگه شیرکائو نذر کرده. جشن همین جا برگزار می شه؟

معمول، سرش تو کتاب‌هاش بود و مشغول درس.

نشستم روی میزش و گفتم: پیامبر ﷺ

چطوری به پیامبری رسیدی؟

از این سؤال بی‌مقدمه تعجب

کرد. سرش رو آورد بالا و گفت: علیک

السلام، قبول باشه داداشی. سؤال‌های

تو تمومی نداره؟ فردا امتحان دارم. به

سی‌دی دارم در مورد داستان مبعث

پیامبر ﷺ، برات می‌ذارم تو لپ‌تاپ،

بشین ببین.

یه گل کوچولو کنار جزوه‌ش کشیدم. اومد

دعوا مکنه، گفتم خیلی گلی آبجی.

تا لباس هام و عوض کردم، برام لپ‌تاپش

رو روشن کرده بود. رفتم نشستم رو

تختش به تماشا.

راوی داشت داستان رو تعریف می‌کرد که

محمد امین ﷺ در چهل سالگی و در غار

حرا مبعوث شد.

آبجی، بعثت یعنی چی؟

جوری که کسی نبینه، انداخت تو صندوق

مسجد، یه «یا رسول الله مدد»ی زیر لب

گفت و راه افتاد سمت حاج مرتضی.

حاج آقا، برای جشن اوامری بود در

خدمتیم.

این همدلی اهالی رو دوست داشتم؛

ولی هنوز نفهمیده بودم چرا حاجی گفت

جشن بزرگیه!

تو فکر بودم که دیدم حاجی زد روشونم و

بالبخند گفت: خوش اومدی مرد کوچک!

خیلی دلم می‌خواست ازشون بپرسم

مبعث یعنی چی؛ ولی بابا خدا حافظی کرده

بود و باید می‌رفتیم.

تو راه یه بار دیگه از بابا پرسیدم:

مبعث اگه میلاد پیامبر ﷺ نیست،

پس چیه؟

گفت: روزی که حضرت محمد ﷺ به

پیامبری رسید...

رفتیم خونه. قبل از اینکه لباس هام و

دریارم، رفتم تو اتاق خواهرم. طبق

مشغول بود. در سال ۶۰۹ میلادی، بعد از سال‌ها عبادت، به مراتبی از معرفت حق رسید که شایسته نبوت و رسالت شد.

نبوت با رسالت فرقی داره آبی؟
 به لبخندی زد و انگار فهمید نمی‌تونه از شرّ سؤال‌های من خلاص بشه. گفت: نبی از «نبا» می‌آد، یعنی خبر. انبیا به شون وحی می‌شده.

ولی رسول از «رسل» می‌آد؛ یعنی غیر از اینکه به شون وحی می‌شده، وظیفه

بعثت یعنی برانگیختن و فرستادن پیامبران برای هدایت مردم.

اون وقت، غار حرا کجاست؟

یه نفس عمیق کشید و گفت: یه غار کوچیک تو کوه نور، اطراف مکه.

راوی داشت می‌گفت: طبق گفته مورخان، توی ۲۷ رجب سال چهارم عام الفیل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غار حرا به نبوت رسید.

حضرت هر سال اول ماه مبارک رمضان به غار حرا می‌رفت و به تفکر و عبادت خداوند



❏ **خدیجه علیها السلام** پرسید: ای ابوالقاسم! کجا بودی؟ به خدا سوگند چندین نفر را به دنبال فرستادم و آن‌ها تمام کوه‌های مکه را گشتند، ولی تو را نیافتند.

❏ حضرت برای همسرش خدیجه و پسرعمویش علی علیهما السلام تعریف کرد: جبرئیل آمد در حالی که در دستش دستمالی از حریر بود و در آن کتابی بود و به من گفت: بخوان. ❏ گفتم: خواندن بلد نیستم.

❏ او مرا به شدت فشار داد تا جایی که نفسم گرفت و گمان بردم که خواهم مرد. پس مرا رها کرد و گفت: بخوان.

❏ گفتم: چه بخوانم؟ ❏ گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛ «ای رسول گرامی! برخیز و قرآن را [به نام پروردگارت که آفرینندهٔ عالم است قرائت کن؛ [آن خدایی که] آدمی را از خون بسته آفرید. بخوان

رسو شدن خبر رو هم به عهده داشتن و فرشتهٔ وحی رو می‌دیدن. همهٔ انبیا رسول نبودن.

سرتکون دادم که یعنی فهمیدم، و به بقیهٔ قصه گوش دادم.

❏ خداوند توسط جبرئیل امین فرمان رسالت را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله ابلاغ فرمود و قرآن یک جا بر حضرت نازل شد.

جبرئیل رفت و رسول الله صلی الله علیه و آله توی دنیایی از نور غرق شد و در غار حراموند.

او این بار، برخلاف همیشه، سروقت به خانه برنگشت، و همسر باو فایش منتظر و نگرانیش بود.

خدیجه علیها السلام افرادی رو به جست‌وجوی حضرت به کوه فرستاد. اون‌ها اطراف مکه و هر جایی که احتمال می‌دادن، گشتن؛ ولی اثری از محمد صلی الله علیه و آله نبود.

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از حال نزول وحی خارج شد، به منزل برگشت و همسرش رو ناراحت و مضطرب دید.

[قرآن را و بدان] که پروردگار تو کریم‌ترین
[کریمان عالم] است؛ آن خدایی که بشر
را نوشتن به قلم آموخت و به آدم آنچه را
نمی‌دانست، [با الهام] تعلیم داد.»

❏ حضرت ادامه داد: پس از ابلاغ پیام،
جبرئیل ناپدید شد و من هشیار شدم،
درحالی‌که این کلمات بر قلبم حک شده
بود. سپس از آنجا خارج شدم؛ اما زمانی
که به دامنه کوه رسیدم، ناگهان صدایی
آسمانی شنیدم که می‌گفت: ای محمد!
تو رسول خدایی و من جبرئیل هستم.
ایستادم و به آسمان نگاه کردم، درحالی‌که
به هر طرف نگاه می‌کردم، او را می‌دیدم و
من همچنان به او خیره شده بودم و توان
حرکت نداشتم، تا از نظرم دور شد و به
خانه برگشتم.



کرد. در همان سال با نزول آیه ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱ نبوتش روعلنی کرد.

راوی هنوز داشت تعریف می کرد؛ ولی من حواسم جای دیگه ای بود.

لپ تاپ رو باز گذاشتم و رفتم سراغ مدادشمعی هام و یه نقاشی از غار حرا کشیدم و به دیوار اتاقم زدم.

به نظرم حاج مرتضی راست می گفت: عید بزرگیه این عید.

دل تو دلم نبود برای روز جشن و دلم می خواست من هم یه کاری کنم.

اون شب تورپسه کشی حسینیّه و جفت کردن کفش ها و پخش شیرکاکائوهای نذری کلی کمک کردم و خوشحالم که می دونم مبعث چه روزیه. خوشحالم بچه شیعه و مسلمونم. از خدامنوم!

پیامبر ﷺ این گونه همسرش خدیجه و پسرعمویش علی علیه السلام را در جریان نبوت خویش قرار داد.

پیامبر ﷺ هنوز لرز بر بدن داشت. خدیجه علیها السلام جامه ای بر آن حضرت پیچید.

حضرت از شدت خستگی به خواب رفت... همسر فداکارش خدیجه و پسرعمو

عزیزش علی علیه السلام، سخنانش روکه شنیدند، عشق و علاقه به اسلام به قلبشون نشست

و نورش سرتاسر وجودشون رو فراگرفت. با اطمینان اولین نفرهایی بودن که به

اسلام ایمان آوردن. خدیجه علیها السلام بعدها نیز همسرش رو یاری

رسوند و در راه رضای خدا و پیامبرش هرچه داشت بذل و بخشش کرد.

سه سال بعد با نزول آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۲ آشنایانش رو از نبوت خود آگاه

پی نوشت

۱. علق / ۵-۱.

۲. شعراء / ۲۱۴: «و خویشان نزدیکت را هشدار بده.»

۳. حجر / ۹۴: «پس آنچه را بدان مأموری، آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.»

تحصیلات مؤثر

در سرزمین عجایب ۱۵

زینب رحیمی تالار پستی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

هادی جانم که اجازه نداده بود خانم‌ها برای تزئین مسجد از چهارپایه بالا بروند، خودش جورتش را کشید؛ برای باقی کارها دخترهای محل را هم به کار گرفته بودیم؛ مگر من یازهره خانم و چهارتای دیگر مثل خودمان نفس بادکنک باد کردن داشتیم؛ یک گوشه نشاندیمشان و یک پلاستیک بادکنک دستشان دادیم؛ حاصل نفس‌هایشان در مسجد پخش می‌شدند و همین را بهانه خنده و شادی کرده بودند؛ خانم‌ها هم جارو زنان و دستمال کشان از اوضاع زندگی و هدیه‌های روز زن


هنوز جاروبه آخر نرسیده بود که سیمین خانم با سه تا از همسایه هایش، کیک به دست وارد شدند؛ داوطلب پختن کیک با تزئین خامه یا گاناش شده بودند. انصاف باید داد که زیبایی شان از دور چشمک می زد؛ جلویم قرار گرفتند. ☺ کافیه خانم آقا؟ دختر مریم خانوم داره یه کیک مباره؛ غروب می رسه.


تأیید که کردم، پیشنهادهایی برای چیدن آن ها در یخچال مسجد یا خانه ما ردوبدل شد؛ هم زمان صدای


دریافت شده و دست به جیب شدنشان برای روز مرد می گفتند؛ البته خبرش را داشتم که معمولاً جیب مبارک، همان جیب دریافت کننده هدیه بود؛ مهم دلی بود که شاد می شد؛ تا جایی که دستگاه اطلاعاتی ام کسب اطلاعات کرده بود، آقایان زیادی مظلوم نمایی می کردند؛ چراکه کسی جوراب نخریده بود؛ شاید هم طبق اتحادی نانوشته بین زن ها، قرار بود واقعیت این حرف نقض شود.

یکی از طرح های خلاقانه کوثری ام را پیشنهاد داده بودم و خانم ها استقبال کردند؛ قرار شد به جای جشن های تکی خانه به خانه، یک جشن عمومی اهالی محله ای بگیریم؛ جشن میلاد، روز مرد و روز پدر؛ گرداننده هم خانم ها باشند و برنامه گردان، بچه های مسجد؛ تحت مدیریت هادی.



خنده دخترها بالا رفت و توجه‌ها به آن‌ها سمت جلب شد؛ زهره خانم و ریحانه خانم که تازه از جارو زدن فارغ شده بودند، نزدیک شدند.  خیلی دلم می‌خواست امسال واسه این پسرِ مادرمرده، زن بگیرم و یکی بهش روزمردو تبریک بگه. چشم گرد کردم.

 زهره خانوم، الان مادرمرده کیه؟ دستی در هوا پرت کرد.

 پسر خودمومیگم دیگه؛ مادر خوبی آگه بودم واسش یکی از همین دخترارومی گرفتم و به زندگی بچه‌ام سروسامون می‌دادم. نگاهم به طرف دخترها کشیده شد. صدای طیبیه خانم کنار گوشم بلند شد.



خونده، رسم و رسوم ما رو ظلم می‌دونه. بعدا اون خدا بیا مرز، زن برادرشوهرش نشد که نشد.

اشاره به طفلک‌های کیک به دست کردم تا برای جابه‌جایی بروند. نگاهی هم به اطراف انداختم تا عروسش آنجا نباشد و با حرف این زن، خون به جگر نشود.

مگه به درس خوندن یا نخوندن؟ رفتار و منش آدما به درک و شعور و تربیتشون ربط داره؛ بی‌سواد و باسوادم نداره. در ضمن عروستم حق داشت بنده خدا.

حین زمزمه کردن چیزی، چشم غرّه‌ای حواله‌ام کرد و رو به زهره خانم به دُر و گُهر ریختنش ادامه داد.

ول کن این حرفا رو؛ چه کاریه زنی واسش بگیری که از جیب پسرت بره درس بخونه و مدرکش بالاتر بره؛ فرداشم به خاطر مدرکش، پسرت و شماها رو آدم حساب نکنه؛ سری که درد نمی‌کنه رو دستمال نمی‌بندن زهره.

زهره، نری از این دخترای امروزی که فیس درس خوندن دارنو بگیریا؛ یه دختر که هنوز دیپلمشم نگرفته رو می‌گیرین و باهاش طی می‌کنین که حق ادامه دادن نداره.

دو نفر دیگه هم مثل منارجنبان با حرکت سروصورت تأییدش کردند؛ دهانم از تعجب بازمانده بود؛ امکان نداشت جدی باشند.

طیبه خانوم، شوخی می‌کنی؟ وقتی فهمیدم کاملاً جدی است که ادامه حرفش را گرفت و شاهد مثال آورد.

چه شوخی؟ منی که چهارتا پیرهن از تو بیشتر پاره کردم می‌دونم؛ دختری که بره دانشگاه و مدرکش بره بالا، خدا رو بنده نیست؛ فکر می‌کنه عقل گُل؛ درسته آدمو قورت میده؛ مثلاً خواهرزاده خودم؛ از وقتی ارشد شو گرفته کسبو تحویل نمی‌گیره؛ میگه در شان من نیستن؛ وای آگه این دختر دکتري بخونه؛ اصلاً چرا راه دور بریم؟ همین عروس خودم؛ چهار کلاس درس

هم خیلی تو پَرِ رسمای ما می‌زنی و بldم بldم در میاری که بگی ماها داریم اشتباه می‌کنیم؛ ولی خب بی انصافیه بگم خودتو واسمون می‌گیری؛ چون این طوری دیگه نیستی.

□ من؟ من بldم بldم می‌کنم؟

پوفی کشیدم و سری به تأسف تکان دادم؛ با این آدم راهم به ترکستان بود. شانس آوردم که انصاف داشت و مرا جدا دید. وای از اینکه گفتن غلط و درست کارشان شده بود ادا کردندم و بدش می‌آمد.

سیمین خانم از آشپزخانه مسجد که صدا زد، فرصت را غنیمت شمردم تا بحث ادامه پیدا نکند؛ البته که بخشی کوتاهی از حرف طیبه خانم درست بود و افرادی، با ویژگی‌هایی که گفت وجود داشتند؛ اما ادامه تحصیل یا عدمش، ملاک خوبی برای ازدواج و یا خوب و بد آدم‌ها نبود.

حقش بود، حقش را کف دستش می‌گذاشتم وقتی این‌طور برای خودش می‌بافت و حرف کسی را قبول نداشت؛ اما روزِ جشنی، نمی‌خواستم اوضاع را به هم بریزم.

□ طیبه خانوم، چی چیو هی می‌گین

واسش زن بگیره؟ مگه زن رخت و لباسه که بره بگیره؟ آدم‌ا ازدواج می‌کنن؛ در ضمن الان من که دارم به درس ادامه میدم، برای کسی طاقچه بالا گذاشتم؟ چرا همه رو به به چشم می‌بینی؟

□ آهان از خودت دفاع می‌کنی؟ نه

بابا تو رو که نمی‌گم؛ هرچند خودتو





مکتب مقاومت

زینب رحیمی تالار پستی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

مادر معصومه که می‌دانست عروس و داماد رسیده‌اند، دنبالشان گشت تا حرف و پیچ‌پیچ‌ها را تمام کند؛ در نمازخانه باشگاه، زوج عاشق را پیدا کرد؛ در جواب "اینجا چه می‌کنید" که مادر گفت، گفتند: نمی‌شد نماز را رها کرد؛ اول نماز می‌خوانیم بعد به مراسم می‌آییم!

یکی یکی می‌پرسیدند عروس و داماد کجا هستند؟ چرا نمی‌آیند؟ گوشه‌کناری هم تیکه و کنایه می‌زدند که معلوم نیست این چه رسمی است و داماد کیست که همه چیزشان این قدر متفاوت است؛ آخر باشگاه جهاد کشاورزی هم جای جشن عروسی می‌شود؟

خبرنگار سیمای فارس هم آن شب خودش را رسانده بود؛ خبر داغی بود؛ یک دختر شیرازی دانشجوی کامپیوتر، با همکلاسی خود، یک پسر لبنانی از تبار مقاومت، ازدواج می‌کرد؛ آن‌هم در شب میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام؛ خود عروس و داماد گفته بودند که می‌خواهند عروسی اسلامی بگیرند؛ ساده و بی‌آلایش؛ به مجلس که وارد شدند، مهمان‌ها بیشتر تعجب کردند؛ عروس با روسری و چادر سفید به مجلس آمده بود؛ آن‌قدر پوشیده که خبرنگار به راحتی با عروسی که در کادر دوربین سیما ظاهر شده بود، مصاحبه کرد و او از امیدها و آرزوهایش گفت. وقتی به مادر آقا رضا گفته بودند: شما که دختر ما را ندیدید چطور خواستگاری می‌کنید، گفت: این انتخاب پسر است و ما به انتخابش احترام می‌گذاریم. در مقابل پدر معصومه خانم به دخترش

گفت: من مدتی در لبنان جنگیده‌ام؛ جای امنی برای زندگی نیست؛ اینجا کجا و لبنان کجا؛ معصومه خانم گفت: آقا رضا انتخاب من است و پدر به انتخاب درست دخترش احترام گذاشت.

خط سیر این تربیت و والدگری صحیح و مناسب آنجا خودش را نشان می‌دهد که در دیدار این خانواده با رهبر جهان اسلام صلی الله علیه و آله مادر شهیده معصومه کرباسی در جواب خبرنگار می‌گوید: «دختر من عاقبت به خیر شد. خدا آزمون قبول کنه. ان شاء الله بتونیم راهشونو ادامه بدیم.» پدر هم مقابل حضرت آقا سربلند می‌کند و با افتخار بیان می‌دارد: «آقا! دخترم هدیه‌ای بود که خداداده بود و حالا هم گرفته‌ام؛ الحمدلله که به شهادت بوده! راضی‌ام به رضای خدا.»^۲ کسی که هم سفر آسمانی شدن این زن شد، شهید رضا عواضه، پسر لبنانی ماجرا هم، پشتش به والدینی گرم بوده از این جنس؛ از جنس

مقاومت؛ مادر می‌گوید: «ما متأثریم؛ ولی در عین حال افتخار می‌کنیم. خدا از ما مقبول کند.» اما پدر، حکایت دیگری دارد؛ وقتی آقا می‌پرسند: پدر شهید کجا هستند؟ جواب می‌شنوند که: «ایشون جراح قلب هستند و توی این شرایط جنگی، در لبنان به حضورشون خیلی نیاز بود و نیومدند.» این زوج که تربیت یافته والدینی چنین والا نگر هستند، پنج فرزند نمونه تربیت می‌کنند؛ معصومه خانم بچه‌هایی که نذر حضرت حجت علیه السلام کرده بود را در مکتب مقاومت تربیت کرد؛ تأکید می‌کرد مهدی هفده ساله، برای کمک به آوارگان جنگ برود و کنارشان بماند؛ با مهدی چهارده ساله، مسابقه حفظ سوره طه می‌گذاشت تا همه در آن بحبوحه موشک باران، تشویق شوند به خواندن آیاتی که برای آرامش مؤثرند. اصرار داشت در خانه‌ای که حوالی اش آماج بمب‌ها بود، بمانند تا دشمن توهم

موفقیت به سرش نزند؛ به مادرش که می‌گفت آنجا خطرناک است و مدتی به ایران بیایید، پاسخ می‌داد: «مگر خون ما رنگین تر است؟ همین جا می‌مانم، کنار مردم لبنان مقاومت می‌کنم و اگر قسمتم بود، شهید می‌شوم.» در مدت بیست روزی که به هتلی کمی دورتر، نقل مکان کرده بودند، سه بار به بهانه شستن لباس‌ها به خانه می‌رفت و حضورش را ثبت می‌کرد. آن روز اما به خاطر جاسوس‌هایی که آقا رضا را تحت نظر داشتند، با ماشین مادر آقا رضاراهی شدند؛ آخر آن مرد از نخبگان امنیت سایبری و از افسران ارشد اطلاعات نظامی حزب الله لبنان بود؛ معصومه خانم به خانه که رسید، آب قطع شده بود؛ به جای برگشت، آچار به دست، تلفنی، فوت و فن رفع مشکل را از همسرش می‌پرسید؛ بین حرفش پهباد اسرائیلی از بالای سرش رد شد؛ در جواب نگرانی

آقا رضا گفت: «حالا ولش کن، پهباد رد شد و رفت؛ بگو این آب رو چطور تعمیر کنم؟!»^۳ پایان آن روز اما خاطره‌انگیز شد؛ وقتی پهباد، هدف‌گذاری و شروع به پرتاب کرد؛ آقا رضا ماشین را متوقف کرد و دست در دست معصومه خانم از جاده و ماشین‌های در حال تردد دور شد؛ هم ماشین هدف بود و هم خودشان؛ رسید لحظه آسمانی شدن و دریافت مزد جهاد.

می‌طلبید و اینکه بچه‌ها یک‌بار هم تنش و بحث پدر و مادر را ندیدند نیز علاوه بر عشق، نشان از تربیت محور بودن فضای خانواده دارد.



علاقه خیلی خاصی به همدیگر داشتند؛
حتی در لحظه شهادتشان هم دستشان
در دست یکدیگر بود.»



- تاریخ تولد: ۱۳۵۹
- محل تولد: شیراز
- تاریخ شهادت: ۱۴۰۳/۸/۲۸
- محل شهادت: جونیه لبنان

این‌گونه می‌شود که مهدی، پسر هفده‌ساله این خانواده چند روز پس از شهادت پدر و مادر با حرف‌هایی که مقابل مقام معظم رهبری حفظه الله می‌زند، جهان را به حیرت تربیت در مکتب مقاومت وامی‌دارد:

«من مهدی هستم، پسر شهید رضا عوازه و شهیده معصومه کرباسی. الحمدلله، شکر خدا، غیر از تربیت و ارشاد کردن به راه مقاومت و راه ولایت، به هیچ راه دیگری ما را ارشاد نکردند. واقعاً

پی‌نوشت

۱. <https://B2n.ir/h48348>

۲. <https://B2n.ir/u74155>

۳. <https://B2n.ir/s88223>



مؤسسه تربیتی رسانه‌ای مآذنه
سید محمد حسن مدرس مصلی
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس بازی‌های ویدئویی

بازی - گوشی

Tetris effect

بازی کامپیوتر (playstation _ xbox _ windows)

سن مناسب: بالای ۵ سال



بازی Tetris Effect یک بازی پازلی است که بازیکن باید تکه‌های پازل را طوری کنار هم قرار دهد که با تشکیل یک خط افقی، آن‌ها را از بین ببرد و از پرشدن فضای بازی در صفحه، که باعث باخت او می‌شود، جلوگیری کند.

این بازی، هر دو قابلیتِ برخط (آنلاین) و برون خط (آفلاین) را دارد و


تعامل و ارتباطات اجتماعی همراه شود، می‌تواند مهارت‌هایی مانند حافظه، حل مسئله، تمرکز و هماهنگی چشم و دست را تقویت کند.

این بازی هیچ‌گونه محتوای نامناسب یا عناصر خشونت‌ناهی ندارد؛ اما به‌هرحال برای کودکانی که مشکل خواب یا تمرکز دارند، توصیه‌نمی‌شود.

به‌گونه‌ای طراحی شده است که می‌توانید با دوستان و خانواده به رقابت یا همکاری بپردازید. انواع حالت‌های همکاری و رقابتی در این بازی به چشم می‌خورد. همکاری بین اعضای خانواده در این بازی می‌تواند ارزش یاددهی بازی را بالا ببرد.

همچنین این بازی اگر با تمرین در زمینه‌هایی مثل خواندن، ریاضیات،



mydear farm 

بازی موبایل (android_ ios)

سن مناسب: مثبت ۹ سال

در این بازی بازیکن یک مزرعه کوچک و زیبا در اختیار دارد و باید آن را مدیریت کند. بازیکن می‌تواند انواع سبزیجات را کاشت و برداشت کند و

در نهایت در بازار بفروشد و با پولش تزیینات و تجهیزات جدیدی برای مزرعه‌اش تهیه کند. بازی بدون خشونت و ترس است، محیط بازی بسیار آرامش‌بخش و در فضایی شاد است و می‌تواند فرزندان را با کشاورزی و ارکان آن آشنا کند، آنان را به احترام به طبیعت

بهرتر است در کنار بازی با فرزندان، به او توضیح دهید که چرا باید مراقب خرید تزیینات و تجهیزات غیرضروری و مصرف زیاد باشد و چرا باید از منابع و اموال خود به صورت مسئولانه استفاده کند. توصیه می‌شود فرزندان را در برقراری تعادل بین بازی و فعالیت‌های دیگر، مانند ورزش، تحصیل، خواب به موقع و ارتباط با خانواده و دوستان، همراهی کنید.

و حیوانات و ادارد و مهارت‌های مدیریتی و خلاقیت آنان را تقویت کند. این بازی با ایجاد احساس مسئولیت، بازیکن را به کار در مزرعه متعهد می‌کند.



بازی با دادن جوایز و امتیازات جذاب، بازیکن را به ادامه بازی تشویق می‌کند؛ مثلاً بازی دارای خرید درون برنامه‌ای است و بازیکن می‌تواند با پرداخت واقعی، در بازی پول به دست آورد.





تبعیض بین فرزندان

صدای مشاور ۶

میثم ابهری - دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیة قم

سلام. مدتی که خدا به مون بچه دوم رو داده. نمی دونم چرا بچه اولم متأسفانه دچار مشکلات عصبی شده. خیلی حساس و پرخاشگر شده، داد می زنه، به حرفمون گوش نمی ده. حتی بعضی مواقع، دور از چشم ما، آجی کوچیکه رو کتک می زنه! واقعاً نمی دونم چی کار کنم. ممنون می شم راهنمایی کنید. کلافه شده ایم!

از اینکه مشکل خودتون رو با ما در میون گذاشتید سپاسگزاریم. متوجه نگرانی شما برای مشکل به وجود آمده هستیم. گاهی ممکنه ما والدین با اومدن فرزند دوم رفتاری داشته باشیم که فرزند

این رفتار پیامدهای متعددی برای فرزند
نادیده گرفته شده دارد:
احساس تنهایی و بی‌پناهی؛ احساس
فاصله و دوری از والدین؛ ایجاد روابط
ناسالم خارجِ خونه؛ اعتماد به نفس
پایین؛ احساس کینه از خواهر و برادر
کوچک‌تر؛ افسردگی؛ گرایش به مصرف
مواد مخدر، و...

همچنین جسارت و گستاخی بیش از
حد، پایبند نبودن به قوانین و مقررات
خانواده (و طبعاً بعدها در جامعه)،
تعهد کمتر در قبال وظایف شخصی و
درس و تحصیلات، غرور بیش از حد، و
ناتوانی در «نه» شنیدن، فقط گوشه‌ای از
دها آسیب رفتار تبعیض‌آمیز والدین
با فرزندان.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «از خدا بترسید
و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید؛
همان‌گونه که می‌خواهید با شما به نیکی
رفتار کنند.»^۳

اولمون احساس کنه که دیگه محبوبیت
قبل رو نداره و این اولین جایبه که فرزند
احساس تبعیض می‌کنه. در غالب موارد
هم فرزند کوچک‌تر خانواده، به خاطر
شیرینی و آسیب‌پذیرتر بودنش، بیشتر
مورد توجه والدینه و چون معمولاً
خانواده‌ها کم جمعیت و دوفرزندی
هستن، این اختلاف بیشتر دیده

می‌شه. **پیامبر اکرم ﷺ** می‌فرماید: «إِنَّ
اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي
الْقَبْلِ! خداوند متعال دوست دارد که
میان فرزندانان عدالت ورزید، حتی در
بوسیدن.» وقتی امر شدیم حتی توی
بوسیدن فرزندان هم عدالت رو رعایت
کنیم، متوجه اهمیت این موضوع
شدیم که نباید در هیچ موضوع دیگه‌ای
هم بین فرزندان تبعیض قائل شد.
ایشون در حدیث دیگری می‌فرمایند:
«حق آنان (فرزندان) بر تو این است که
میانشان به عدالت رفتار کنی.»^۲



۲ شرایط رو توضیح بدیم

آنچه ما به دلیل والد بودن و بزرگ‌تر بودن سن و سالمون دربارهٔ کودکان می‌دونیم، فرزندمون دربارهٔ خواهر یا برادر کوچک‌تر از خودش نمی‌دونه. بنابراین لازمه دربارهٔ تفاوت نیازهای او و خواهر و برادرش با زبون خودش باهاش صحبت کنیم.

گاهی به همین اندازه که بگیم «خواهرت/ برادرت الان بسیار کوچکه و آسیب‌پذیره و نیاز داره ازش مراقبت بیشتری کنیم»،

پس بهتره با فرزندمون دوست باشیم قبل از اونکه به مشکلات روحی و روانی گرفتار بشن.

اما الان و توی این شرایط وظیفهٔ ما چیه؟



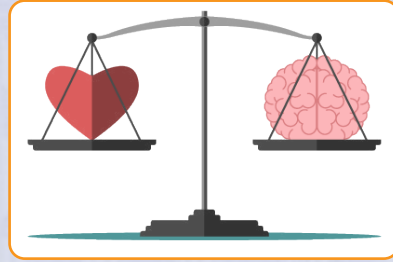
۱ مقایسه نکنیم

مقایسهٔ یه فرزند با فرزندان دیگه یا با فرزندان فامیل یا همسایه یا هم‌کلاسی‌ها منجر به ایجاد حس سرخوردگی و تنفر، تضعیف اعتماد به نفس، و ترس و اضطراب در کودک می‌شه؛ مثل اینکه راجع به تحصیل، مدام فرزندمون رو با هم‌سالان دیگه‌ش مقایسه کنیم و بگیم: «به فلانی نگاه کن که نمرات و عملکرد بهتری از تو داره!»

نمایشیه و درک کنه که با تمام وجودشون این حرف رو می‌زنن.

هم شرایط رو شرح می‌ده و هم نوعی حس مسئولیت توی فرزند بزرگ‌تر درست می‌کنه.

در ادامه لازمه به چند تا آسیب تبعیض هم اشاره‌ای کنیم.^۴
کینه‌توزی و انتقام



توجه والدین به یکی از فرزندان باعث می‌شه که یکی‌شون از بقیه و از والدین تنفر و کینه پیدا کنه و درصدد انتقام جویی باشه. پس فرزند خشمگین و عصبانی می‌شه و در پی بهونه‌س. فرد خشمناک بر اثر رفتارهای ناپسند و ناهنجار، از جامعه طرد می‌شه و گوشه‌گیر و منزوی می‌شه.

۳ احساساتمون رو متعادل کنیم

بسیاری از والدین توی برخورد با فرزندانشون دچار احساسات لحظه‌ای می‌شن؛ یعنی ممکنه همیشه عادت تبعیض و مقایسه نداشته باشن اما در برخی مواقع مهم، به خصوص موقع حضور دیگران، یه دفعه رفتاری ناشی از غلیان احساسات داشته باشن و ناخودآگاه ضربه‌ای اساسی به فرزندشون وارد کنن. بنابراین خوبه که «توی جمع، از کارهای فرزندمون تعریف و تمجید کنیم، البته نه با اغراق». اینکه پدر و مادر قربون صدقه فرزندشون برن خوبه؛ اما باید متعادل باشه تا فرزندشون احساس نکنه



ایجاد فاصله

تبعیض بین بچه‌ها از طرف والدین باعث می‌شود فرزند احساس کنه پدر و مادر دوسیش ندارند. پس ممکنه سعی کنه زیاد همراه والدینش نباشه تا کمتر سرزنش بشه. بنابراین فرزند برای یافتن پناهگاه برای محبت و دوستی، به دنبال جاییه غیر از خانواده و والدین.



برای مطالعه بیشتر

مقابله با تبعیض بین فرزندان، کاظم همایونی‌نیا، انتشارات الهام‌دوست، تهران، ۱۳۹۸.

ترس و اضطراب

فرزندى که از کودکی در معرض تبعیض والدینه، نوعی احساس تنهایی و ترس و اضطراب و نداشتن پشتیبان در وجودش حس می‌کنه.



نداشتن اعتماد به نفس

مهم‌ترین مؤلفه عاطفی برای رشد شخصیت افراد، حس اعتماد به نفسه که اگه توی سن کودکی موفق نشه اون رو به دست بیاره، توی سنین جوانی و بعدش حضور در اجتماع، دچار سرخوردگی و حقارت می‌شه.

پی‌نوشت

۱. کتیر العمال، علی بن حسام‌الدین متقی، انتشارات دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۵، ح ۴۵۳۵.
۲. «إِنَّ لَهُمْ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ أَنْ تَعْدَلَ بَيْنَهُمْ»؛ همان، ح ۴۵۳۴۸.
۳. «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحِبُّونَ أَنْ يَبْزُوكُمْ»؛ همان، ح ۴۵۳۵۸.
۴. ر.ک: تفاوت و تبعیض بین فرزندان، صغری طاهرخانی، انتشارات طاهرخانی، تهران، ۱۳۹۶.



زهرا فاتحی زاده - کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی

دل بسته _ جرتمند

کم کم قطرات باران هم بر زمین باریدن گرفت. هوا گرفته بود و اکرم هم اندوهگین و مشویش. چند سالی از ازدواجش با نادر می گذشت. نادر از خانواده ای با سطح پایین تر و کارمند یکی از ادارات بود. خانه شان دور از منزلشان و در یکی از خیابان های شلوغ شهر بود.

هوا کم کم سرد شده بود و بادی پاییزی در حال وزیدن بود؛ اما اکرم نگران بود و ناراحت، طوری که غم و اندوه تمام وجودش را گرفته بود. مشکلات زندگی اش این روزها بیش از پیش حاد شده بود. البته این ناراحتی ها از ابتدای ازدواجش وجود داشت.

است؟! باید یک مجلس برای عقد در سالن بگیرید و یک مجلس دیگر هم برای عروسی. ما که یک دختر بیشتر نداریم! برای این دختر هم خیلی آرزو داریم....

از این صحبت‌ها زیاد بین این دو خانواده ردوبدل می‌شد و دل‌خوری‌های خانوادۀ اکرم از آن‌ها تمامی نداشت. ظاهراً این حرف‌ها از اول در بین این دو خانواده در جریان بوده و چون توقعات خانوادۀ اکرم برآورده نمی‌شده، همیشه گله‌مند و ناراضی بودند و سعی می‌کردند امور

بیشتری را بر آنان تحمیل کنند!

در این چند سال زندگی مشترک، والدین اکرم همیشه در خصوص میزان درآمد و خرج کردن نادر با اکرم حرف می‌زدند و پرس‌وجومی کردند.

بلاخره دیشب شما برای آرزو کادو چه بردید؟ می‌بینی این نادر اصلاً در شأن خانوادۀ ما نیست! الان دخترعمه‌ات را ببین! شوهرش خانه خریده و یک ماشین

اکرم که حالا بعد از مدت‌ها، در افاق مشاوره به دیدنم آمده بود، ماجرا را این‌گونه شرح داد که پدر و مادرش انتظارات و توقعات زیادی در امور مادی، مهریه، پذیرایی، هدیه دادن، دعوت کردن، میهمانی دادن و... از خانوادۀ داماد داشتند. می‌گفتند این از آداب و رسوم ماست و ما در فامیلمان آبرو داریم. دخترمان را که از سر راه نیاورده‌ایم! پدر و مادر نادر هم می‌گفتند: بله، می‌دانیم؛ ولی ما هم کارمندیم و بچه‌های دیگر هم داریم. فقط همین یکی که نیست!

نادر هم می‌گفت: می‌خواهم روی پای خودم باشم و نگاهم به دست پدرم و مادرم نباشد.

آقا نادر، درست است که می‌خواهید مستقل باشید، ولی ما هم آبرو داریم، آداب و رسوم داریم. حالا که می‌خواهید مراسم را این‌طور ساده برگزار کنید، لااقل یک خانۀ خوب در محله‌ نزدیک ما تهیه کنید. آخر، این چطور مراسم گرفتن

نشده‌اید، مهریه‌ات را به اجرا بگذاری و اگر نادر از پرداختش سر باز زد، طلاق بگیری! این حرف‌ها کم‌کم روی اکرم اثر کرده بود؛ ولی نمی‌توانست درباره‌ی دستوره‌های پدر و مادرش و ادامه‌ی زندگی با نادر، درست انتخاب کند.

نادر هم از روحیات اکرم و حرف‌های پدر و مادرش و توقعات فراوان و دخالت‌های بیجایشان در زندگی، خسته شده بود.

بیاییم درست فکر کنیم. من و تو با هم در یک خانه زندگی می‌کنیم. من هم اهل کار کردن هستم و هم مسئولیت‌پذیرم. مشکل اصلی زندگی ما دخالت زیاد اطرافیان است. من و تو در زیر یک سقف زندگی می‌کنیم و خودمان به مسائل زندگی‌مان اشراف داریم؛ ولی آن‌ها که با ما زندگی نمی‌کنند، درک درستی

از زندگی ما ندارند.

ولی آن‌ها پدر و مادرم هستند و دل‌سوز زندگی‌ام.

مدل بالا هم دارند؛ ولی ما همیشه به خاطر این نادر باید سربه‌زیر باشیم. لاقل از او بخواه بیشتر کار کند و پول بیشتری به خانه بیاورد. این‌ها که نمی‌توانستند، چرا آمدند و تو را گرفتند؟! زندگی که بازیچه نیست. هزارویک خرج دارد! در آینده چطور می‌توانند تو را خوشبخت کنند؟! مگر تو کم‌خواستگار داشتی؟!

آن‌ها، دانسته یا ندانسته، با این حرف‌ها اکرم را از زندگی دل‌سرد می‌کردند و او کم‌کم درباره‌ی انتخابش دودل شده بود. والدین او همیشه نادر را مؤاخذه می‌کردند و خرج‌های درشتی برایش می‌تراشیدند. اکرم میان نادر و خانواده‌ی خودش گیر کرده و دچار تشویش زیادی شده بود.

این روزها دیگر والدین اکرم پا را فراتر گذاشته بودند.

نادر به درد زندگی با تو نمی‌خورد. او

مرد زندگی نیست. یک زندگی خیلی خرج دارد و بهتر است تا دیر نشده و بچه‌دار

دو نفر باید خودمان زندگی مان را بسازیم و با حفظ حرمت‌ها به آنان بگوییم در زندگی مان دخالت نکنند.

اکرم سردرگم بود که چطور باید این حرف‌های منطقی را بیان کند که هم حرمت‌ها حفظ بماند و روابط قطع نشود و هم هرکسی به حدود مرز خودش آگاه شود! اینجا نوبت من بود که به عنوان یک مشاور دل‌سوز و با تجربه به میدان بیایم.

بین اکرم جان، رفیق صمیمی! برای رسیدن به این هدف باید از روش دل‌بسته-جرئتمند استفاده کنی؛ به این صورت که یک بار از علاقه و محبت نسبت به خانواده‌ات صحبت کنی و در جمله بعد از حدود مرزها و لزوم رعایتشان در زندگی. مثال می‌زنم:

پدر و مادر عزیزم! من برای شما احترام زیادی قائلم (دل‌بسته)

ولی ما دو نفر با هم ازدواج کرده‌ایم و تشکیل خانواده داده‌ایم و لازم است

بله، درست است که آن‌ها دل‌سوزند، ولی جای ما که نیستند. آیا تا حالا در خرج زندگی مان مانده‌ایم؟ من که هر روز سرکار

می‌روم و درآمدم را خرج همین زندگی می‌کنم! ولی این درآمدها قابل مقایسه با درآمد بعضی از فامیل ما نیست! مثلاً آرزو که خانه و ماشین عالی دارند و خیلی مسافرت می‌روند!

ما کاری به مردم نداریم. هرکسی هرطوری بخواهد زندگی می‌کند. ماکه برای مردم زندگی نمی‌کنیم!

پس جواب خانواده‌ام را چه بدهم؟! آن‌ها نگران اوضاع زندگی ما هستند!

از این به بعد، این قدر راجع به زندگی مان با آن‌ها صحبت نکن. کمی رازداری کن و کمتر به منزلشان رفت و آمد کن.

ولی من خیلی به خانواده‌ام وابسته‌ام و می‌ترسم آنان را ناراحت کنم.

ما هم نمی‌خواهیم به آنان بی‌احترامی کنیم. احترام آنان سر جای خود؛ ولی ما

پس از مدتی، خانوادهٔ اکرم که دیدند آن دو دارند زندگی خودشان را می‌کنند و به دخالت‌های آنان اهمیت نمی‌دهند و درک درستی از زندگی مشترک و خانواده دارند، تصمیم گرفتند مدیریت زندگی را به خودشان بدهند و از این پس فقط در جایی که نیاز به هم‌فکری دارند در کنارشان باشند.

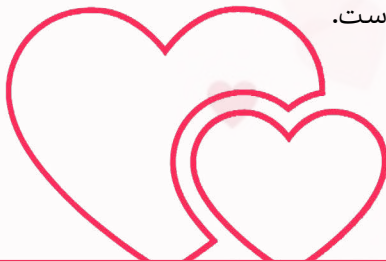
از آن پس نیز اکرم سعی کرد مسائل زندگی‌اش را با نادر حل کند و کمتر با دیگران دربارهٔ زندگی خود صحبت کند. نگرانی‌ها و تشویش‌های ذهنی‌اش هم بهبود یافت و به زندگی خود با نادر دل‌گرم شد. آنان توانستند زندگی خود را از نو بسازند!

خودمان مسائل زندگی‌مان را حل کنیم. پس لطفاً در زندگی ما دخالت نکنید! (جرتمند)

من متوجه نگرانی‌های شما برای زندگی فرزندان هستم (دل بسته)؛ اما همهٔ انسان‌ها برای رسیدن به آرامش در زندگی مشترک، نیازمند همدلی با همسر خود هستند تا به مرور به استقلال کامل از

خانواده‌ها برسند. پس ممنون می‌شوم کمتر دربارهٔ اتفاقات ریزودرشت زندگی‌ام نظر بدهید. (جرتمند)

پس از گفت‌وگویمان از من خداحافظی کرد. یکی دوروز بعد تلفنی جویای احوال‌ش شدم و برایم تعریف کرد که این‌گونه با خانواده‌اش صحبت کرده است.





دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمی قم
دانشجوی دکتری علوم سیاسی
رسول ساری

کالی غربی

یک گُرسی برای زنان در مناصب مختلف در نظر گرفته شود. این نظریه را گروهی به نام «فمینیست» ابداع کردند، و در حال پیگیری است. در دنیای امروز همیشه بحث‌هایی دربارهٔ نقش و جایگاه زنان وجود دارد و از طرفی تغییرات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی باعث شده که نقش زنان در جامعه تغییر کند. بعضی تلاش می‌کنند حقوق زنان را

سوءاستفاده از جنسیت زنان برای مقاصد سیاسی موضوعی است که در طول تاریخ سابقه‌ای طولانی دارد و منجر به بروز انقلاب جنسی در جوامع غربی شد. آن‌ها ادعا دارند که در طول تاریخ به زن ظلم شده و همواره حقوقش نادیده گرفته شده است و باید از این به بعد برای احیای حقوق زنان به سمت تبعیض مثبت رفت؛ یعنی به‌ازای هر مرد

سؤال برسیم که چطور می‌توانیم وضعیت زنان جهان را بهتر کنیم و آن‌ها را به جایگاه اصلی خود برسانیم و طعم خوب آرامش و احترام واقعی را به آن‌ها نشان دهیم. در ابتدا به صورت مختصر حقوق و آزادی‌های زن در دین مبین اسلام را بررسی می‌کنیم.

الف) کرامت انسانی زن در قرآن

اسلام با تأکید بر کرامت انسانی، جایگاه زن را برابر مردان در نزد خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ»؛ (و کسانی که کارهای شایسته کنند، مرد باشند یا زن، درحالی‌که مؤمن باشند، داخل بهشت می‌شوند.) این آیه نشان‌دهنده اهمیت اعمال صالح بدون توجه به جنسیت است. در قرآن کریم آیات دیگری نیز وجود دارد که بر کرامت و ارزش انسانی زنان تأکید

بیشتر کنند و به عدالت برسند؛ اما در این مسیر با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند. علتش تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی است. جوامع مختلف راه‌های متفاوتی در مواجهه با حقوق زنان دارند. متأسفانه برخی فکر می‌کنند زن و مرد باید کاملاً برابر باشند؛ ولی بعضی دیگر می‌گویند زن و مرد با هم فرق دارند، پس نقش‌های مختلفی هم دارند. اما دین مبین اسلام یک نگاه متعادل به این موضوع دارد: زن و مرد هر دو ارزشمند هستند و حقوقی دارند که باید به آن‌ها احترام گذاشته شود. در واقع اسلام به حقوق زنان در خانواده و جامعه و زندگی شخصی اهمیت زیادی می‌دهد. از چالش‌های مهم جامعه کنونی این است که اسلام چه حقوقی برای زنان قائل است، چرا بعضی از دیدگاه‌های افراطی فمینیستی درست نیستند و چرا در بعضی کشورها قوانین عادلانه نیست و به زنان آسیب می‌زنند؟ تا بتوانیم به جواب این

دارند. برای مثال، خداوند در سورهٔ مریم جایگاه ایشان را به‌عنوان یک زن نمونه و الهام‌بخش توصیف کرده و او را الگویی برای تمام مؤمنان معرفی می‌کند. این نشان‌دهندهٔ آن است که زنان می‌توانند نقش‌های بزرگ و الهام‌بخشی در تاریخ بشر ایفا کنند. همچنین در سورهٔ آل‌عمران داستان تلاش‌ها و دعا‌های همسر عمران برای فرزندش نشان‌دهندهٔ ارزش نیت‌های خالص و جایگاه زنان در پیشگاه خداوند است.

علاوه بر این، قرآن در سورهٔ نحل به‌صراحت می‌گوید که خداوند هرگسی را که عمل نیک انجام دهد، چه زن باشد و چه مرد، با زندگی پاک و پاداشی بزرگ مورد لطف قرار خواهد داد: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.^۲

این آیه تأکید دیگری بر عدالت الهی و اهمیت تقوا و اعمال نیک است.





ج) حق تحصیل و علم آموزی

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «**طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ**؛^۴ تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.» این حدیث به صراحت بیان می کند که علم آموزی برای زنان و مردان واجب است. در تاریخ دین نیز زنان دانشمند و برجسته ای مانند فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشته اند که نقش مهمی در ترویج علم و دانش ایفا کرده اند.

د) حق انتخاب و مشارکت اجتماعی

در دین اسلام زنان حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی دارند. نمونه بارز این

در مجموع، این آیات نشان می دهند که در نگاه دین مبین اسلام و ما مسلمانان، ارزش انسانی وابسته به تقوا و اعمال نیک و ایمان است، نه به جنسیت یا دیگر معیارهای ظاهری. این نگرش متعادل و الهی، زن را عضو ارزشمندی از جامعه معرفی می کند که توانایی های بی نظیری برای رشد معنوی و اجتماعی دارد.

ب) حق مالکیت و استقلال مالی

اسلام حق مالکیت و استقلال مالی زنان را به رسمیت شناخته است. قرآن کریم راجع به این مسئله می فرماید: «**لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا**»^۳ «برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای هست، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای هست.» بر این اساس، زنان حق دارند دارایی های خود را حفظ کنند و در امور مالی تصمیم گیری مستقل داشته باشند.

برابری فیزیکی و نقش‌های یکسان در برخی جوامع، باعث شده نیازهای ویژه و نقش‌های بیولوژیکی خاص زنان، مانند دوران بارداری و نیاز به حمایت اجتماعی، نادیده گرفته شود. این دیدگاه نادرست در برخی موارد حتی منجر به فشارهای اجتماعی و روانی بر زنان شده است؛ چراکه انتظار می‌رود نقش‌هایی را ایفا کنند که با طبیعت بیولوژیکی آن‌ها همخوانی ندارد.

ب) تقابل با ارزش‌های خانوادگی

برخی از جریان‌های فمینیستی ارزش‌های خانوادگی را زیر سؤال برده و نقش مادری و همسری را سنتی و تحمیلی معرفی کرده‌اند. این در حالی است که دین مبین اسلام خانواده را بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی می‌شناسد و به آن اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. در جوامعی که تأثیرات فمینیستی افراطی غالب است، نقش مادری و مسئولیت‌های مرتبط با آن مانعی

موضوع، بیعت زنان با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. همچنین حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به‌عنوان یک تاجر موفق و شریک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان‌دهنده آزادی و مشارکت اجتماعی زنان در دین مبین اسلام است.



اکنون نقد دیدگاه‌های فمینیستی را از نظر می‌گذرانیم.

الف) تفکیک نادرست میان زن و مرد

فمینیسم در تلاش برای برابری حقوقی میان زنان و مردان، گاه تفاوت‌های طبیعی و بیولوژیکی را نادیده می‌گیرد. این رویکرد باعث شده برخی از وظایف و نقش‌های طبیعی زنان، مانند مادری، کم‌ارزش تلقی شود. برای مثال، تأکید بیش از حد بر

برای پیشرفت اجتماعی زنان تلقی می‌شود؛ اما در دیدگاه اسلامی، مادری نه تنها یک مسئولیت مهم، که یک جایگاه والای انسانی است که تربیت نسل آینده را بر عهده دارد. اسلام از زنان می‌خواهد با آگاهی و انتخاب آزادانه نقش‌های خانوادگی خود را بپذیرند، نه از سر اجبار یا تحمیل اجتماعی.

ب) شیءسازی زنان

یکی از انتقادات اصلی به فرهنگ غربی، شیءسازی زنان در رسانه‌ها و تبلیغات است. در این شیوه، زنان به عنوان ابزار جذابیت جنسی معرفی می‌شوند که این موضوع با کرامت انسانی در تضاد است. تصاویر و پیام‌های رسانه‌ای که زنان را صرفاً ابزاری برای فروش محصولات یا جلب توجه نشان می‌دهند، به ترویج یک فرهنگ سطحی و توهین‌آمیز منجر می‌شوند. در نتیجه، بسیاری از زنان، به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی، احساس می‌کنند که ارزش آن‌ها تنها به

نقد قوانین ناعادلانه کشورهای غربی

الف) بهره‌برداری اقتصادی از زنان

در بسیاری از کشورهای غربی، زنان به عنوان نیروی کار ارزان قیمت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. تبلیغات گسترده و صنعت مد نیز از آنان به عنوان ابزار بازاریابی استفاده می‌کند. در این نظام‌ها زنان گاه تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند تا به استانداردهای زیبایی یا موفقیت تحمیل شده پاسخ دهند. این روند نه تنها کرامت انسانی زنان را زیر پا

افراطی فمینیستی، که گاه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد را نادیده می‌گیرند یا قوانین ناعادلانه غربی که در برخی موارد به بهره‌برداری از زنان منجر می‌شوند، اسلام به دنبال ایجاد تعادلی است که هم کرامت انسانی زنان را حفظ کند و هم پاسخ‌گوی نیازها و ویژگی‌های منحصر به فرد آنها باشد. این نگرش جامع، زنان را اعضای فعال و تأثیرگذار در جامعه می‌داند که توانایی ایفای نقش‌های مهم اجتماعی و خانوادگی و معنوی را دارند. بازگشت به آموزه‌های دین مبین اسلامی و ترویج درست جایگاه زن می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای حل چالش‌های معاصر و ارتقای وضعیت زنان در جوامع مختلف ارائه دهد.

ظاهر و جذابیت جسمانی‌شان وابسته است و دیگر توانمندی‌ها و ویژگی‌های انسانی‌شان نادیده گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام با ارائه نظامی متعادل و جامع، حقوق و آزادی‌های زنان را به بهترین شکل ممکن تضمین می‌کند. این دین الهی با تأکید بر کرامت انسانی، ارزش‌های منحصر به فرد زنان را به رسمیت شناخته و حقوق اجتماعی و فردی‌شان را تضمین کرده است. از جمله این حقوق می‌توان به برخورداری از استقلال مالی، مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از فرصت‌های برابر در علم و دانش اشاره کرد. برخلاف دیدگاه‌های

پی‌نوشت

۱. نساء / ۱۲۴.

۲. نحل / ۹۷.

۳. نساء / ۳۲.

۴. کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، انتشارات دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۷.



آدمیزاد به امید زنده است!

جواد توچیدی منش - مدیر مؤسسه فرهنگی تبلیغی (شجره حیات طیبه)

اولین ارتباط با افراد و خانواده‌های محل تبلیغ کمی برایم دشوار به نظر می‌آمد؛ چون آن‌ها گمان می‌کردند ورود و حضور ما در منزلشان مشکلی از آن‌ها حل نخواهد کرد و به این دیدار و گفت‌وگو نیاز ندارند.

با خانمی روبه‌رو شدم که به‌سختی ورود و حضور مرا در منزلش پذیرفت و با ناراحتی حرف‌هایم را گوش کرد و سوالاتم را پاسخ داد.

این نوع نگاه حدود چهار ماه طول کشید. در این مدت هر بار که به منزلش می‌رفتم

تمرکز خودم را بر امیدبخشی به این خانم گذاشتم و به او گفتم: اگر دارقالی را تمام کنی، بلافاصله یک شغل آسان و با درآمد مناسب به شما معرفی می‌کنم. فقط باید همت کنی و در سه چهار ماه این قالی را تحویل دهی و خیال خودت و همه ما را راحت کنی.



پس از مدت کوتاهی دوباره پشت آن دارقالی نشست و کارش را ادامه داد. تا اینکه یک بار سرزده وقت ناهار به منزل این خانم مراجعه کردیم. آنجا بود که متوجه شدم دست‌پخت بسیار خوبی دارد و از ظرفیت خود بی‌اطلاع است. بسیار تشویقش کردم و در چند جلسه و با حضور خودش از دست‌پختش تعریف کردم.

وزمینه بحث و گفت‌وگو فراهم می‌شد، نکته‌های غیرمستقیم و راهکارهایی می‌گفتم.

بعد از مدتی کم‌کم به سخنانم دل می‌داد و مشکلاتش را با من در میان می‌گذاشت. از این رو متوجه شدم که نه تنها از لحاظ مادی در مضیقه است و چند ماه می‌شود که اجاره‌خانه‌اش به تأخیر افتاده، بلکه از لحاظ جسمی نیز مشکلاتی دارد که نیازمند تأمین منابع برای دارو و درمان است.

اما نکته بسیار مهم دیگر این بود که وی با اصرار بستگان و مددکارش در کمیته امداد، یک دارقالی آماده کرده بود و با توجه به شرایط جسمی و روحی‌اش اصلاً انگیزه‌ای برای تمام کردن قالی نداشت و مدام از طرف کارفرما تهدید و توبیخ می‌شد. این مسئله او را کلافه کرده بود؛ تا حدی که دچار استرس و برخی فشارهای عصبی هم شده بود.

پرونده مسکن این خانواده را هم به جریان انداختیم. این خانم اصلاً امیدی به تهیه مسکن نداشت؛ ولی با همت مسئولان دل سوز کمیته امداد و مددکارش و به برکت خیران گران قدر صاحب مسکن شد و از طریق درآمد همین کسب و کار اقساط مسکن را نیز پرداخت می‌کرد.



امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«فَإِنَّ كُلَّ رَاحٍ طَالِبٍ وَكُلَّ حَائِفٍ هَارِبٍ؛

به تحقیق هر امیدواری جوینده است و هر بیمناکی گریزان [از آنچه می‌ترسد].»^۱

در ادامه، کارفرمایی را که صاحب کارخانه‌ای بود راضی کردم تا به جای اینکه غذا از فلان رستوران برای کارگران و همکارانش تهیه کنند، سفارش غذا را به این خانم بدهند تا در منزل با بهترین کیفیت برای آن‌ها آماده کند. کارش را با سفارش مسئول این کارخانه آغاز کرد. با تشویق و پشتیبانی توانست نظرشان را جلب کند. از اینکه توانسته بود در منزل خود و کنار سه فرزندش کسب و کار ساده و متناسب با علاقه‌اش را راه‌اندازی کند، بسیار خوشحال بود. او به مرور زمان مقداری کارش را توسعه داد و از جاهای دیگری نیز سفارش می‌گرفت.

بعد از مدتی با مددکارش در کمیته امداد امام خمینی رحمته الله علیه رایزنی کردم و

پی‌نوشت

۱. آملی، محمد بن محمد نعمان (شیخ مفید)، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶.

فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده‌مبلمان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلمان (همسران و فرزندان)
در ماهنامه «خانواده مبلمان» به چاپ برساند.

موضوعات فراخوان:

۱. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلمان و روحانیون؛
۲. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۳. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلمان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۴. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلمان با خویشاوندان؛
۵. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلمان؛
۶. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلمان؛
۷. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلمان؛
۸. فضای مجازی، فیلم‌های خانگی، بازی‌های رایانه‌ای و چالش‌های پیش رو؛
۹. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۰. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلمان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- ❖ پرداخت حق‌التألیف
- ❖ چاپ مقاله به نام نویسنده
- ❖ صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- ❖ برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- ❖ حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- ❖ دارای نوآوری و خلاقیت؛
- ❖ مناسب خانواده طلاب و مبلمان؛
- ❖ ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



۰۲۵-۳۱۳۳۵۶۵

@esfahani_ess

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir



● با مراجعه به هر کانال می توانید از محتوا و

مقالات نشریات مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع

آموزشی پژوهشی تبلیغ به صورت رایگان استفاده کنید.

۱ کانال آرشیو ماهنامه سفیر-امین:

<https://eitaa.com/safiraminMagazine>

۲ کانال ماهنامه خانواده-مبلغان:

<https://eitaa.com/khanevademoballegan>

۳ کانال فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات-تبلیغ-دینی:

<https://eitaa.com/fmtd1401>

۴ خبرنامه تحلیلی-سیاسی منبا:

<https://eitaa.com/manba313>

۵ مجموعه کتاب‌های-تبلیغی:

<https://eitaa.com/mktabt>

۶ نشریه دیواری نسیم-تبلیغ:

<https://eitaa.com/nasimetabligh>

